

تظاہری بکنیم و این مسئله یگانه وسیله
تظاہر ما است در مقابل موکلین خودمان
لہذا استدعا میکنم این یگانه وسیله
را از ما سلب نکنند

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که پیش
نهاد آقای مصدق را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.
پیش نهاد آقای مدیر الملک

(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیش نهاد میکنم که این موضوع
روز یکشنبه جزء دستور شده و بعد
مذاکرات بشود.

رئیس - آقای مدیر الملک
(اجازه)
مدیر الملک - بنده توضیح ندارم
فقط برای این پیشنهاد کردم که در
خیلی از آقایان مایلند که در این خصوص
مذاکره بشود و کمترین تریه برای گرفته شده
است.

که قبل از دستور صحبت شود این بود
که خواستم جلسه ختم شود
و اگر آقایان حقیقتاً میل دارند در
این موضوع صحبت شود روز یکشنبه هم کول
کنند و اگر میل ندارند که بجز دستور شود
پس چرا این قدر پیش نهاد میدهند

رئیس - دیگر پیش نهادی نیست مگر
یک پیشنهادی که گمان میکنم آقای حائری
زاده من باب مزاح کرده اند.

حائری زاده - شوخی نکردم جدی
است.

(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم نقل قبل از
دستور انحصار بخالفین دولت داشته
باشد.

حائری زاده - بنده دولت فعلی را
نظر دارم و نه اقلیت فعلی را

این شکایاتی که بمجلس می شود غالباً
از عملیات مأمورین دولت است که مردم
شکایت می کنند

آن دسته که طرفدار دولت گذراندند
که با دولت مذاکره کنند و رفع شکایت
مردم را بکنند

ولی آن دسته که اقلیت اتاده اند
ندارند که با دولت مذاکره بیاخته کنند و نا
چارند که در مجلس اظهار کنند

این مسئله یک مسئله است که در هر
موقع در باره اقلیتها پیش می آید منحصراً
با اقلیت فعلی و اکثریت فعلی و دولت فعلی
نیست

رئیس - آقای مدرس
(اجازه)
مدرس - بنده در این موضوع عرضی
ندارم.

مطلب دیگر دارم

ما در دستور روز یکشنبه قانون میزی
را داریم و این قانون هم مربوط به تمام ممالک
است و میتوان تصدیق کرد که از این
قانون مهتر است یکی دوسه جلسه دیگر
هم صبر کنند که اعتراضات رئیس مایه
رفع شود که هم بر منافع ما خواهد بود و هم بر
منافع صاحب امتیاز

رئیس - رأی میگیرم
یاسائی - بنده تقاضای کتم در درجه
دوم باشد.

رئیس - در درجه دوم؟
یاسائی - بله
رئیس - پس محتاج برای نیست.

پیشنهاد دیگری رسیده است که جز
کمیسیون مبتکرات راجع بتفسیر قانون
شانزدهم جوزی ۱۳۹۱ جزء دستور شود
مخالفی ندارد؟

سهم السلطان - بنده مخالف
رئیس - بفرمایند
سهم السلطان - چون دستور معین
شده و مجلس هم رأی داده که جائز آن
لايه ميگزي جز دستور بشود باید آن لایحه
 مطرح شود و اگر کشیدند هادای هم هست بعد
از آن لایحه باشد.

رئیس - مناقشات ندارد
سهم السلطان - چون دستور
برای لایحه میزی معین شد مگر اگر
وقت ماند بقسمتهای دیگر بپردازیم
رئیس - آقای تدین

تدین - بنده در دستور عرض
ومناقات ندارد و باید که لایحه قانونی میزی
هم جزء دستور باشد

این موضوع بین معلمان وزارت مایه
معل کشیدند و واقع شده و برای اینکه هم
تکلیف معلمان و هم تکلیف وزارت مایه
معین شود لهذا تقاضای تفسیر قانون
شانزدهم جوزی شده است و آن طرح هم
بکمیسیون مبتکرات ارجاع شده و بطوری
که بنده اطلاع پیدا کرده ام کمیسیون
مبتکرات هم نظریات خودش را اظهار
کرده و اینقدر وقت هم لازم ندارد فقط اینجا
 مطرح میشود و بقیل توجه بودن آن رأی
 گرفته میشود باین جهت تقاضا کردم که
 جزء دستور جلسه آتی شود

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

رئیس - رأی میگیرم آقایانی که
این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

جلسه صد و بیست و چهار
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه نوزدهم برج
دلو ۱۳۰۳ مطابق چهاردهم
شهر رجب ۱۳۴۳

مجلس یک ساعت و نیم قبل از ظهر
به ریاست آقای مؤمن الملک
تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه
شانزدهم دلو را آقای میرزا ابوال
خان قرائت نمودند

رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - بنده راجع به دستور عرض
دارم.

رئیس - آقای عماد السلطنه
(اجازه)
عماد السلطنه - بنده قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - قبل از دستور عرضی
دارم.

رئیس - نسبت به صورت جلسه گویا
اشکالی نیست.
(گفتند خیر)

رئیس - آقای سردار عشاری
(اجازه)
سردار عشاری - بنده در دستور عرضی
دارم.

رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - در آخر جلسه گذشته بنده
پیش نهاد کردم خبر کمیسیون مبتکرات
راجع بتفسیر ماده شش قانون شانزدهم
جوزی هزار و سیصد و یک جز دستور شود
چون عده کاتب نبودم کول با مرز شد.

حالا اگر آقایان موافقت بفرمایند
در درجه اول جزء دستور شود.
اشکالی هم ندارد.

رئیس - بایدرای گرفته شود.
آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند
قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند)
رئیس - تصویب شد.
آقای عماد السلطنه.

رئیس - تصویب شد.
آقای عماد السلطنه.

رئیس - تصویب شد.
آقای عماد السلطنه.

رئیس - تصویب شد.
آقای عماد السلطنه.

رئیس - تصویب شد.
آقای عماد السلطنه.

ضمن مذاکرات از بودجه کل مملکتی عرض
کرده ام که مالیات اصناف نسبت به سابق
کمتر شده است و حال آنکه این طور نیست
و ضمناً هم فرمودند که من یک صورتی از
یکی از رؤساء مهم مایه بدست آورده ام و
آن صورت را هم با طوری که آقایان استماع
کردند در این جا قرائت کردند.

اولاً بنده بر میگردم به عرض سابق خودم
و با زهم تکرار میکنم که مالیات اصناف نسبت
به سابق کمتر شده است.

علت کم شدنش هم این است که یک
مقدار از اصناف از بین رفته اند باین جهت
از مالیات سابق کمتر شده است و آن اصنافی
که از بین رفته اند عبارتند از: تصنیفات
چیت ساز، فلک ساز، صباغ، دواتگر و
از این قبیل.

دولت هم از آنها مالیات نمیگیرد یعنی کسی
نیست که مالیات از او بگیرند
بنا بر این کم شده است.

اما آن صورتی را آقایان اینجا قرائت
فرمودند و نسبتش را دادند یکی از رؤسای
مهم مایه بنده متأسفم از اینکه عرض کنم
آن رئیس مهم مایه اگر این صورت را
 داده است که املا از جریان امور مایه اطلاع
برده است چون در ضمن صورتیکه آقایان
 قرائت کردند مالیات ذیابج جزو مالیات
 صنعتی قرائت کردند در صورتیکه در هیچ
 جای دنیا ذیابج جزو مالیات صنعتی
 نیست.

همچنین سوق الدواب را جزو مالیات
صنعتی حساب کردند و قرائت نمودند در
 صورتیکه این مالیات هم جز مالیات صنعتی
 نیست.

مثلاً اگر قصاب یک گوسفندی را
 میکشد و بکفران میدهد اینک مربوط به مالیات
 اصناف نیست.

این اضافه میشود بقسمت گوشتی که
بمردم میفرشند یا مثلاً یک مایه را میفرشند
یک کفران یا یک کفران میدهد این چه بصلی مالیات
صنعتی دارد؟

دیگر اینکه آقایان در ضمن فرمایشاتشان
فرمودند که بنده عرض کرده ام این مالیاتها
 قانونیست و حال آن که قانونی نیست و کاملاً
 برخلاف قانونست.

اگر چه پریروز شاهزاده شیخ الرئیس
فرمودند که مالیات اصناف کاملاً قانونی است
و توضیحی هم در این خصوص دادند ولی
 با زهم بنده ناچارم عرض کنم که مالیات اصناف
 کاملاً قانونی است و از تصویب مجلس هم
 گذشته و اگر مراجعه بفرمایند بآن جمع و
 خرجی که در قوی بیل هزار و سیصد و بیست
 و پنج از تصویب مجلس گذشته است صحبت
 عرضی بنده معلوم میشود.

بکقسمت دیگر در آخر بیان ایشان
فرمودند که پیشنهادی تهیه شده است برای
 الغای مالیاتهای صنعتی.

این را بنده درست نفهمیدم که نظر

آقا از الغای مالیات های صنعتی چیست
اگر مقصود متجدد اشکال کردن
 مالیاتها است که الانهم کمیسیون قوانین
 مایه با موافقت نظر کمیسیون امریکائی
 مشغول است که یک مالیاتهای متجدد اشکالی
 تهیه کنند تا از این وضعیت فعلی که داریم
 خلاص شویم و تمام اصناف بطور عادلانه و
 از روی یک ترتیب صحیحی مالیات بدهند.

اما اگر مقصود آقا این است که بکلی
چرا او را بچفت؟

همانطور که بنده در کبری مالیات می
دهیم فلان رسته مخصوص هم که از نعمت امنیت
 مملکت بهره مند میشوند موجب آزادی
 را که در این سرمای سخت یاسائی میکند
 باید بدهند.

چرا یک دسته بدهند و دسته دیگر
 ندهند؟

چرا اصناف مهم این مملکت نباید
 مالیات بدهند؟

بچه دلیل مالین فلسفه را قائل بشویم؟
و بچه دلیل بگوئیم یکدسته مخصوص بدهند
 و یکدسته ندهند؟

مگر این که عرض کنم که مقصود از
 تهیه پیش نهاد آقا همان اندازه اظهاراتی
 است که در جلسه گذشته در مجلس فرمودند
 و خیلی هم اصرار داشتند که فرمایشاتشان در
 جرائد منتشر گردد.

والا ما نباید برای خوش آمدن باید آمدن یک
 دسته در مجلس اظهاراتی بکنیم.
 ما باید هر چه را که میگوئیم ببینیم در
 عمل چه میشود و باین تطبیق کنیم.

مثل این که یک پیش نهادی شده است
 از طرف یکدسته از آقایان که باید دو میلیون
 و سیصد هزار تومان عشر کلیه عوائد مملکت
 بصرف موارف و صحیح برسد.

بسیار خوب!
 یک پیش نهاد دیگری هم تهیه شده
 است که بطور تحقیقی نمیتوانم عرض کنم
 چه مبلغ است ولی در هر حال مبلغ خطیری
 از بودجه مملکت کاسته میشود که هو اندبندی
 هر شهری برای تأسیس بلدی در ولایات
 تخصیص داده شود.

امروز پیش نهاد میشود که مالیات صنعتی
 را هم لغو کنیم.

خانوار است که رد کرده ایم.
 نیم عشر اوقاف است که رد کرده ایم
 خیلی خوب از آنطرف هم انتظار داریم
 که تشکیلات مملکتی ما اقلاتل بهترین
 نقاط ممالک دنیا باشد.

با کدام بودجه؟ با چه بودجه؟
 از آنطرف هم اگر یک لایحه می آید
 که یک مالیاتی در مملکت وضع شود باتمام
 قوا سعی میکنیم که از دستور خارج شود
 مثل اینکه مگر در این کار را کرده ایم.
 خیلی خوب.

یک صورت جامعی است و معین کرده

یک صورت جامعی است و معین کرده

شا اگر میخواهید یک قدم اصلاحی
 بردارید بسم الله امروز یکی از آروزها که
 یکی از اصلاحاتی که ما از اول مشروطیت تا
 حالا آرزوی آنرا داشتیم گذراندن قانون
 میزی است.

امروز هم میباید به مجلس این قانون را
 رهنجه بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

فردا هم قانون مالیات صنعتی میباید
 بمجلس آنرا هم بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 بکنیم تا بعد بدست دولت اجرا
 کند.

است که در چهار پنجسال قبل چقدر مالیات اصناف گرفته میشده است.

مدرك من همین راپرت آقای فخریه- الملك بود که عرض کردم و مقصود من که عرض کردم یکی از رؤسای مهم مالیه آقای فقیه الملك بودم است که راپرتش نزو همه آقایان هست.

دو صغه بزرگ است که .

تنفس هم دیدم .

و اجماع به .

مالیات های صنفی بنده عرض

رئیس - در حدود ماده صد و نه

بفرمایید .

ضیاءالواعظین - بلی در حدود

ماده صد و نه عرض میکنم .

سوء تفاهمی شده است جواب عرض

میکم راجع بمالیاتهای صنفی که فرمودند

بنده عرضم الفاء اینها نبوده است اگر

در لایحه که تقدیم شده است ملاحظه بفرمایند

تصدیق خواهند فرمود که نظرم این بوده

است که چون لوائح مالیاتی عادلانه در

کمیسیونها و در مجلس مطرح است و

تصویب میشود این مالیاتهای که از قافرا و

شغاف گرفته میشود لغو شود البته به نظر

ایشانم خواهد رسید .

رئیس - وارد دستور میشود .

دستور امروز لایحه قانون میبزیست .

شیر وانی - قانون میبزی در درجه

دوم است .

بیش بهادی که آقای همین فرمودند در

درجه اول است .

رئیس - صحیح است .

(خبر کمیسیون میتکرات بشرح ذیل

قرائت شد)

خبر از کمیسیون میتکرات مجلس

شورای ملی

کمیسیون میتکرات طرح پیشنهادی

آقای داود وحیدی از نمایندگان محترم را

راجع بانیکه .

مستغفمن دولتی و بلدی و شوری حق

دارنه در وقت فراغت از شغل خود در مدارس

استفاده از حقوق تدریس نمایند . قابل توجه

دانسته .

رئیس - مخالفی دارد ؟

(گفتند - خیر)

رئیس - رای میگیریم بمقابل توجه

بودنش آقایانی که این طرح را قابل توجه می

دانند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . بکجامر اجماع

شود ؟

آقای سید یعقوب - اجازه بفرمایید ؟

رئیس - بفرمایند .

آقای سید یعقوب - بنده عقیده دارم

بکمیسیون معارف رجوع شود چون اصل

مسئله راجع بتدریس و درس گفتن است و

اساساً با کمیسیون معارف مناسبت بیشتر

از سایر کمیسیونها است .

رئیس - آقای پاسانی .

پاسانی

بگم -

بنظر بنده باید رجوع شود

بیون تجدید نظر در قانون استخدام

چون بیشتر شامل حال مستخدمین دولت

میشود و در ضمن قانون استخدام باید یک

اصلاحی در این خصوص بشود .

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - اول رای میگیریم بکمیسیون

معارف بر حسب پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

رای میگیریم بکمیسیون تجدید نظر

در قانون استخدام شوری آقایان مواقین

قیام فرمایند .

رئیس - تصویب شد . قانون میبزی

مطرح است .

آقای وکیل الملك

(اجازه)

وکیل الملك - مخالفت بنده با میبزی

در مملکت نیست و تکاملهم موافقم باین که

مالیاتها در مملکت میبزی و تبدیل بشود و

از صورت حالیه خارج بشود ولی بنده باین

طرزی که این لایحه بمجلس آمده وزارت

مالیه داده است مخالفم و مختصری از تاریخ

قانون میبزی را در مملکت عرض میکنم .

آقای مصدق السلطنه دوسه سال پیش

که وزیر مالیه بودند متکثر قانون میبزی

بودند و یک قانون میبزی بمجلس آوردند

و بعقیده بنده آن قانون بهترین و عادلانه ترین

قوانین میبزی بود که بمجلس آمده بود .

بطور اختصار عرض میکنم آن قانون

عبارت بود از عشر یعنی صدی ده عایدات

تمام مالکین مملکت .

بعد در دوره چهارم این قانون مدتی

در کمیسیون سیر کرد و همان طرز آمد

بمجلس شورا اولش هم تمام شد در شور

دوم هم تصور میکنم چند ماده اش گذشت

نارسیله باینکه آقای مصدق السلطنه در آن

کابینه هم بازم مدتی در این خصوص مذاکرات

و بالاخره به همان اصل و ترتیبی

که آقای مصدق السلطنه قبلاً پیشنهاد

کرده بودند دو باره بمجلس آمد و

مراجعه شد .

بکمیسیون در این اثناء میسیون

محترم امریکائی وارد شد نه دولت آمد

و اصل قانون را پس گرفت باسم اینکه

چون رئیس کل مالیه در کتر میلیونی وارد

شده است تجدید نظری در این قانون

بکند و بنظر ایشان برسد این قانون

رفت .

دوره چهارم هم باخر رسید تا رسیدیم

بدوره پنجم در این اواخر این قانون را

دو مرتبه در دو صغه آوردند بمجلس باسم

لایحه میبزی .

روزنامه رسمی کشورها

شاهی

روزنامه رسمی کشورها

شاهی

اولاً ایهام این قانون تا یک اندازه

ممکن است انقلابی در این مملکت تولید

کند چون اینجا در ماده اول مینویسد مالیات

از کل عایدات متوسط املاک اربابانی باستانی

خالصه جبات انتقالی بقرار ذیل دریافت

میشود .

این را بنده تفهیمم از مالک میگیرند

یا از هر دو شان بگیرند ؟ اولاً در قانون

بعقیده بنده نباید هیچ ایهامی وجود داشته

باشد اگر باینهمه بگوئیم این را در اصل خرمن

مستثنی میکنند .

فرض بفرمایید صد خروار گندم در

اینجا هست مطابق این قانون شش خروار و

نیم از نیم چهار خروار و نیم از آبی جدا

میکند بعد آبی این را از حق رعیت بر میدارند

یا از حق مالک ؟ این معلوم نیست و بنظر بنده

اگر رعیت را در اینجا در مالیات سهمین کنید

و بگوئید رعیت هم این مالیات را بدهد اشکال

زیادی تولید میکند .

یک قدری هم از انصاف و عدالت

خارج است زیرا من خود دیدم در این

مجلس چندی قبل لایحه قانون مالیات

تصادعی آمد و در اطرافش مذاکرات

زیادی شد بالاخره از دستور مجلس خارج

شدو اشکالات زیادی هم در سر این قانون

شد اغلب آقایان میفرمودند که این هزار

تومانیکه معاف شده کم است .

چرا نهازار تومان مالیات ندهد و از

هزار تومان بیالا صدیک بدهد این کم

است و باید از هزار تومان بالا تر برود

در صورتیکه آنجا تا هزار تومان

معاف بود این چه انصافی است آن رعیتی

که مافوق عایدش پنج خروار یا سه خروار

یا هشت خروار گندم است و قیمتش صد

تومان بیشتر میشود بگوئیم آنهم مالیات

بدهد وار را هم در دادن مالیات سهیم

بکنیم ؟

از آن طرف در مالیات تصادعی تا یک

هزار تومان راضف میکنیم از این طرف

این جا اینطور میکنیم ؟ ببلایه یک اشکال

دیگریم که دارد که الان عرض میکنم .

آقایان همه در تهران هستند و می بینید .

سایر ولات را عرض نمیکنم اینجا مرکز

مملکت و پایتخت است و امروزه می بینید

که حکومت نظامی چهارصد نفر چهارصد

نفر یا صد نفر گدا ها و مستحقین را جمع

میکند و به دارالاساکین میبرد اینها کی

هستند اینها همان رعایای دهات هستند

که در اثر حوادث و تعطلی و کوا میری و

بریشانی آمده اند اینجا و این شکل فجیع

را در پایتخت مملکت ایجاد کرده اند در

صورتیکه هنوز چیزی از آنها مطالبه نشده

و بعقیده من رعیت چیزی نباید بدهد (تصور

میکنم خود کمیسیون قوانین مالیه آقای

مخبر معتمدی که اینجا تشریف دارند و

دولت هم عقیده شان این باشد که رعیت نباید

چیزی بدهد) .

روزنامه رسمی کشورها

شاهی

این عقیده من است حالا شاید توضیحی

که آقای مخبر در جواب بنده خواهند داد .

رفع اشکالات مرا بکنند و بفرمایند که مالک

باید بدهد در صورتیکه بعقیده بنده مالیات را

باید مالک بدهد .

یکی دیگر اینکه این طرز تقسیم بندی

که در اینجا کرده اند باز اشکالات زیادی

تولید میکنند این جانوشه شده که آبی هدی

چهار و نیم بدهد .

در صدی شش و نیم فلان صد هشت

بدهد فلان قدر بدهد این تقسیم بندی

تولید اشکال میکند حالا اشکالاتش را

هم مختصراً عرض میکنم که در کجا وارد

میشود .

فرض بفرمایید از یک خرمن صد خرواری

جنس آبی باید از آبی صد چهار و نیم و

از دمی صد شش و نیم بعد از وضع حق رعیت

بگیریم یعنی از حق مالک مستثنی کنیم .

بگیریم و از رعیت چیزی نگیریم باز اینجا

یک اشکالاتی تولید میشود .

حالا بنده شرح معاملات بین مالک و

رعیت را بطور اختصار در اینجا عرض

میکنم .

در این مملکت بواسطه خوبی و بدی

زمین که بعضی جاها خوب و بعضی جاها خوب

برو بعضی جاها بد و بعضی جاها بدتر است

و بالاخره در نتیجه اختلاف آب و هوا یا بعضی

چیزهای دیگر اختلافاتی بین مالک و رعیت

در معامله حاصل شده است حالا بنده درجه

افراط و درجه تفریط این معاملات را شرح

میدهم و در چند جای مملکت مثل ساره و رزن

یا از این قبیل مثل بعضی از قطعات اصفهان

و دامغان و سمنان اینجاها چون زمین حاصل

خیز است رعیت حاضر شده است

صدی سی از آن خرمن میبرد و صدی ۷۰

بمالک میدهد و در بعضی جاها صدی ۵۰

بمالک میدهد و صدی ۵۰ هم خود رعیت

میبرد .

یعنی نصف میشود نصف را مالک و

نصف را رعیت میبرد از آنجا متوسط

طر طهران و عراق و کاشان و بعضی جاهای

دیگر است اینجا ها نباید آب و هوا و زمین

باندازه آنها مساعد نباشد باین جهت مالک

دو خمس میبرد .

باین معنی که صدی چهل بمالک میرسد

و صدی شصت بر رعیت .

در گیلان و اطراف آنجا آنچه بنده

تعمیق کردم مالک ربع میبرد .

یعنی صدی ۲۵ مالک و صدی ۷۵

رعیت .

در صغه غرب کرمانشاه . کردستان .

زنجان یا ساوجبلاغ و بعضی جاهای دیگر

آنجا ها معامله رعیت و ارباب خمس است

یعنی بیست خروار مالک میبرد و ۸۰ خروار

رعیت .

همی بنده در بعضی از صلعات غرب

روزنامه رسمی کشورها

شاهی

و کردستان که میبرد ملحق بر سرخه میشود

آن طرف امامان غریبی دیدم که آنجا مالک

از همه معصولش عشر میگیرد مخصوصاً

معصول دیم که اغلب آنجا صدی ده مالک

و صدی ۹۰ رعیت میبرد .

حالا ما بیائیم اینها را مقایسه کنیم

باین ترتیب که صدی چهارده و نیم صدی

شش و نیم از آبی و دیم از کبسه مالک جدا

کنند این در بعضی جاها بدل است و فضل

و در بعضی جاها بدل است و در بعضی جاها

ظلم .

در بعضی جاها دیگر از ظلم هم

بالا میبرود که گمان نمیکنم کلمه برایش

بیتوانم عرض کنم مگر اینکه بگویم نمونه

از دستور دیوان بلخ خواهد بود .

در بعضی جاها که بدل است مثل

ساوه و رزنه و بعضی جای خوب که عرض

کردم صدی ۷۰ را مالک میگیرد اگر این

صدی چهار و نیم از آن مستثنی کنیم اشکالی

تولید نمیکند بلکه خیلی هم باو بدل شده

است .

در قسمت های دیگر مثلا عراق و

کاشان و خود طهران و بعضی اطراف تهران

که مالک دو خمس از رعیت میگیرد اینجا

تقریباً یک عدلی است نسبت بآنها و همان

لایحه میشود که آقای مصدق السلطنه

آوردند بمجلس که صدی ده با هشت یا ۹ از

مالک بگیرند .

در اطراف کپلان و آن جا ها که مالک

ربع میگیرد آن جای کفتری نسبت بآنها

ظلم میشود .

مثلا من حساب کردم که صدی ۱۶

صدی ۱۷ از او گرفته میشود .

می آیم طرف کرمانشاه و کردستان

و ساوجبلاغ و بعضی از نقاط آذربایجان و

آنجاها که معامله اغلبشان خمس است و

بیکسمت هم ممکن است عشر باشد و آن

خسی که میگیرد یعنی از صد خروار بیست

خروار میگیرد .

وقتی که این قانون از تصویب مجلس گذشت ممکن است مالکین بر جای بمانند که مالک قسمت زیادی از سهم خود را باید بعنوان مالیات بدوالت بدهیم رعیت هم در جواب بگوید که معامله بین من و تو وقتی شده است که این قانون نبوده و حالا هم باید همینطور باشد آنوقت نتیجه این میشود که کلانوز شوند و بالاخره انقلابی در این مملکت مخصوصاً در صغره جنوب تولید خواهد شد

و این اشکالاتی که عرض میکنم بواسطه تفاوتی تبتی است که در معامله بین مالک و رعیت در تمام نقاط ایران موجود است و آقایانی که در دوره چهارم تشریف داشتند و حالا هم تشریف دارند میدانند که غالباً بنده از حرف زدن خودداری کردم و اگر حالا اطلاع زیادی کرده باشم برای این است که از مشکلات جلوگیری شود زیرا اگر بنا شود که برای هر قطعه از مملکت ما بخواهیم یک مالیاتی وضع کنیم

مثلاً از یک قسمت صدی یا نود و از قسمت دیگر صدی سی و هفت و اینطور تصاعد بالا برویم و از یک نقطه دیگری صدی شصت و پنج بگیریم

ممکن است بالاخره تولید انقلابی نماید و بعقیده بنده علاج قاطعی که هیچ محظوری بر نغزورد

این است که صدی از تمام عایدات مالک بگیرند و من یک چیز دیگر شنیدم و چون ممکن است از طرف وزارت مالیه به آقای مخبر توضیحاتی داده شده باشد لذا این مطلبی را که شنیدم تذکر عرض می کنم و آن این است که در کمیسیون مالیه بعضی گفته اند

اختلاف بین رعیت و مالک علتش این است که در فلان صغره آن مالکی که کمتر حق بگیرد در مقابل وجه و کسک و روغن از رعیت بگیرد

بنده این مطلب را که شنیدم نتوانستم از خنده خود داری کنم این اشتباه است

بنده از صغره غرب کاملاً اطلاع دارم ممکن است این ترتیب در بعضی دهات باشد و یک مالک یک چارک روغن بگیرد که سه چهارم آن قیمت دارد یا دو تا جوچه بگیرد یکی نرزه شامی میشود سی شاهی ولی کسک را بنده شنیدم بهر حال اگر بعضی جاها این ترتیب باشد

وقتی که حساب کنیم می بینیم تمام اینها از پنجقران یا یک تومان یا دو تومان بیشتر نمیشود

آیا انصاف است که در مقابل آن یک چارک روغن یا دو فلان کسک که یک تومان قیمت آنها بیشتر نمیشود ماسدی شود و پنج ارض عایدات مالک مالیات بگیریم

یکی دیگر از نواقص این لایحه اینست که در آن قسمتی که راجع بحشام و اقدام است بنده میخواستم از آقای مخبر استعفا کنم آنرا درست توضیح بدهند در دوره چهارم هم نتوانستیم آنرا حل کنیم

در این جا منویس مالیات اقدام و احشام پنجخال پنجخال میزنی میشود البته اگر هر سال میزنی شود نه برای دولت صرف میکند نه برای مالیات بدهما (صحیح است)

ولی بنده نمی دانم که طرز اجرای آن چطور است

مثلاً فرض بفرمایند امروز رفیق توی یک دهکده دیدیم از یک خانه بیست تا کوسفند بیرون آمدند از یک خانه سی تا یکی دیگر بیست و پنج کوسفند داشتند گفتم پنج تان آن معاف و برای بیست عدد دیگر باید در سال دو تومان مالیات بدهی وزارت مالیه هم مکلف است که تا پنجخال هر سال دو تومان از او مطالبه کنند و حال آنکه شاید آن رعیت کوسفند های خودش را بعد از یک ماه فروخته باشد آیا این مالی دو تومان را تا چهار سال دیگر هم از او مطالبه خواهند کرد یا نه؟

من که نفهمیدم و در موقع خودش عرض خدام کرد و حالا برای اینکه اطلاع اسان نکرده باشم بیشتر از این عرض نمیکنم

یکی دیگر از نقایص این قانون این است که در اینجا حکمت رامین نکرده است و اختیار را فقط به میز داده است در صورتیکه در قوانین سابق این قسمت را پیش بینی میکردند که اگر اختلاف پیدا شد حکمت چطور باشد وجه اشخاصی باشند ولی در این قانون هیچ همچو چیزی نیست

یکی دیگر از نواقص این قانون این است که معین نکرده است دولت جنس بگیرد یا اینکه محصول صنفی و غیره را تبدیل بقتد میکند اگر مبدل بقتد میکند باید در اینجا قید شود

برای اینکه اگر جنس بگیرد آنوقت دولت باید بقال شود و هندوانه و لوبیا و ماش و سایر محصولات را جمع کند و این برای دولت اسباب اشکالات

دیگر اینکه در اینجا هیچ معین نکرده اند که ما مورین وصول در چه موقع سال این مالیات ها را مطالبه میکنند در صورتی که در تمام دنیا معمول است حتی در جزو قانون می نویسند که که در درجه تاریخ در کجا تحویل دولت میدهند و چه قسم تحویل خواهد داد

در خاتمه عرض میکنم نظر بنده این بود که این مشکلات را بهر آقایان برسانم

مهم است و باصطلاح آقای کلارونی حیاتی و مسانی است باید با خون سردی تلقی میکنند و بگفته ری در اطراف آن مطالعه و قانونی را که میخواهند بگذارند یک ترتیبی باشد که همه اشخاص این مالیات را بشناسد و بداند و الا اگر این ترتیب بگذرد باید در اغلب نقاط مملکت مالیات را زور بگیرند و البته آنهم نه برای دولت صرف میکند نه برای مالکین و عیناً چون کلیات لایحه مطرح است پیش از این وقت آقایان را تلف نمیکند و در هر یک از مواد اگر عریضی داشته باشم عرض خواهم کرد

مخبر - بنده میخواهم قسمت آخر بیانات نماینده محترم را اولاً عریض خود قرار بدهم و آن این بود که باید مالک خونسردی نظر حلی بمشله نگاه کرد و سعی کرد یک راه حلی برای رتب مالیات پیدا کرد و باید مطالبه کرد و گمان میکنم اعتراضی که بر کسی بیرون قوانین مالیه میشد این نبود که چسبات خود را تشکیل نمیدهند با کثرت پیدا میکنند

یاضار نمیشوند یا اینکه در این لایحه زیاد مطالعه نکرده اند

خیر کمیسیون قوانین مالیه در این دوره ۸ ماه هفته سه جلسه بنده بیشتر برای همین چند ماده که الان تقدیم شده وقت صرف کرده و بالاخره اگر فشار و اصرار از طرف خود آقایان راجع باین قانون نبود ممکن بود که باز چند ماه دیگر کمسیون در اینباب مطالعه میکرد ولی چون آقایان اصرار زیادی داشتند باینکه این قانون زودتر بجمعس بیاید باین جهت زایرت تهیه و تقدیم شد یا این نظر که آقایان هم در مجلس نظریات خودشان را اظهار نمایند

هر کس دلالتی بر لایحه این لایحه دارد آنها را پیشنهاد کند البته باز هم کمیسیون هست و پیشنهادات به آنجا می آید و مطالعه میشود شور تانی هم هست و بالاخره مسئله حل میشود تصور میکنم آقایان تصدیق داشته باشند که کمیسیون قوانین مالیه باعضای که دارد و خود آقایان انتخاب کرده اند اشخاص مالک و غیر مالک هر دو در آنجا هستند نظر خاصی بیک طرفی ندارند باین جهت کمیسیون نتوانسته است یک قانونی بگذارند که بضرر مالکین باشد یا اینکه قانونی بگذارند که رعیت زیر یابد

و تمام اشکالات کار را جمع باین تکه است که عرض میکنم و تمام وقت کمیسیون هم در آن چنجاه تقریباً برای ماده اول صرف شده است

در اینجا دو اصل را میشود اتخاذ کرد یکی اینکه دولت بمالک و رعیت بگوید اول من بیستم شما چطور محصول را باهم تقسیم

میکند بد سهم مرا بدهید

یک اصل دیگر این است که بگوید من کلاندارم که شما چطور باهم معامله میکنید یا کدامیک نسبت بد دیگری زور میکنید

من در این کار مداخله نمیکنم فقط از این محصولی که این جا جمع شده از این کبه که روی زمین است من میخواهم یک مداری برای اینکه بتوانم امور مملکتی را اداره کنم سهم بردارم و این فکری که نماینده محترم اظهار کردند فکری بود که قبلاً در مجلس صحبت شده بود و نمایندگان هم مستحضر شده بودند و یک مقدمه طرفدار این فکر بودند و در کمیسیون هم در این خصوص خیلی مذاکره شده که این مالیات را از سهم مالک بگیریم ولی یک اشکالاتی بر خوردیم و حالا بنده بطور خلاصه آن اشکالات را بهر آقایان میرسانم بنده البته آقایان میفرمایند و بالاخره نظراً کثرت تبیین میکنند

که تکلیف چیست بهمان ترتیبی که آقای وکیل الملک فرمودند در هر نقطه از این مملکت ترتیب معامله و تقسیم محصول بین ارباب و رعیت بیک شکلی خاصی است و بقدری این ترتیب مختلف است که اگر بخواهیم در جزئیات آن داخل بشویم بنده نمایان آن وسائلی که شما در هر ملک باید در دست بگیرید و به آن وسیله نتیجه برسید و به بنده اینجا مالک و رعیت چطور باهم تقسیم میکنند و آن مختار است که آنوقت برای تسهیلات و اختلاعات باید شود آیا این مالیات آن مختار را تکافو خواهد کرد یا خیر؟

بنده نظری که آقای وکیل الملک فرمودند این ترتیب در هر نقطه مملکت بیک شکلی است

و هر گاه دولت بخواهد تعیین سهم مالکین را بکنند علاوه بر اشکالات زیادی که دارد در باب مختار هم یک اشکالات جدیدی پیش می آید از قبیل خرج بنایی و قنای و امثال آن که در هر دهی هر مالکی یک اظهاراتی خواهد کرد و شما اگر بخواهید رسیدگی کنید این خرجهارا مالک کردیانه آن وقت هم برای مالک اسباب زحمت میشود و هم برای دولت

مطلب دیگر که اسباب اشکال بود این است که در یک قسمت از مملکت مالک مالیات نمیداد و رعیت مالیات میداده است و حالا این مالیاتی را که اقبال رعیت میداده امروز باید مالک بدهد فرض بفرمایند در یک نقطه معمول است که دولت رعیت دو تا مالک برد

(مهمه نمایندگان)

(س از چند ثانیه تأمل)

بنده تأمل کردم ناملاً کرات خصوصی آقایان تمام شود در بعضی جاها قرار گذاشته اند که دو سهم رعیت برد و دو سهم مالک

و اگر شما امروز بخواهید بگوئید که از سهم مالک ما مالیات بگیریم آن وقت ملاحظه بفرمایید که ترتیب مالیات دولت چطور میشود

در نقاط زیادی از مملکت که بنده این جا یادداشت کرده ام مالیات را رعیت میدهد

مثلاً الان چشم بنده در این صورت بگردستان افتاد و حال آنکه هیچ مقصودی نداشتیم در گردستان علی الظاهر مالیات را مالک میدهد

ولی در باطن علاوه بر تقسیم محصول رسومات غربی هم از رعیت میگیرند در صورتیکه از برای رسومات هم مالیات نقدی را میبرند

مثلاً در کاشان نصف مالیات با مالک و نصف با رعیت است

بعضی از نمایندگان - اینطور

مخبر - بنده اطلاعات خودم را عرض میکنم

در غصه مالیات جنسی وجود ندارد و مالیات نقدی را هم رعیت میدهد

امیر احتشام - اینطور نیست

مخبر - اطلاعات بنده باینکه اطمینان قطعی است و هیچ یک از آقایان نمیتوانند مخالفت کنند برای اینکه از معلی کسب اطلاع کرده ام که مطمئن هستم و هر کدام از آقایان میخواهند بگویند فلان نقطه اینطور نیست بایستی با نام و سند این اظهار را بکنند

بنده باسند اظهار میکنم که در گروس مالیات نقدی و جنسی هر دو بعهده رعیت است

بعلاوه عوارض معمولی که مالک می دادند در همدان مالیات نقدی را از مالک میگیرند ولی عوارض دیگر را از رعیت میگیرند

در قزوین سبب و تود قریه مالیات نقدی و جنسی را رعیت میدهد و دو سبب و دو سبب و پنج قریه مالیات نقدی را رعیت و جنسی را هم رعیت و مالک با اشتراک میدهند و همین طور در یک قسمت از آذربایجان و بطوری که عرض کردم امروز چون سهم مالک در این نقاط ازدادن مالیات معاف است

اگر شما بخواهید امروز از سهم مالک مالیات بگیرید بالطبع مالیات شما خیلی کسر خواهد شد و از این جهت کمیسیون تصدیق کرد نظر دولت را که می گفتند نمی توانیم بیائیم و بر سهم مالک مالیات بیاندیم و برای این که رفع اشکالی شود و داخل در آن سهم بندی بین مالک و رعیت نشویم

بهترین ترتیب این است که آنچه مسلم است و بدون زحمت میزانش را می شود تقسیم کرد آن محصولی است که در وسط است و دولت از آن محصول یک قسمتی را بخودش

تخصیص میدهد

بعد با آقایان میگوید شما خودتان میدانید به ترتیبی میخواهید بدون این که من مداخله کرده باشم باهم معامله کنیم آیا شما که امروز میخواهید یک خانه را بسازید یا یک جنس را بخرید دولت از شما مالیات میگیرد؟

خیر میگوید بواسطه آن آجری را که از کوره بز خانه میخرند البته دولت از آن آجری مالیاتی گرفته است

از جنسی که میخرید بواسطه گورک مالیات میگیرند آیا مداخله میکند که شما جنس را از چه تراری بخرید؟

یا مزد عمل را چه میدهند؟

حالا اینچنین نظر است

یکی اینکه دولت با مداخله کند در تقسیمی که بین رعیت و مالک می شود و به بنده که مالک با رعیت چطور رفتار میکنند و از چه قرار مزد می دهد و بگوید من این میزان مزد را می خواهم در تحت نظر خودم بگیرم به ترتیبی که ظلم نشود

حالی که مخصوصاً در مملکت یک اشخاص و مالکینی هستند که در واقع میخواهند رعیت خودشان را حفظ کنند

نظر کمیسیون هم این بود که برای حفظ رعیت و برای اینکه این رعیت بیچاره زیر دست و پا برهنه از بین نرود

دولت می گوید من که دولت هستم برای اینکه بیستم بکسی ظمنی نشود و اتفاقاً اگر یک مالکین باشند که بر مالیاتی خود ظمنی بکنند من مداخله می کنم که بیستم از چه قرار با هم رفتار میکنند

اگر این قسمت را مجلس می خواهد تصدیق کند البته وقتی اکثریت مجلس این نظر را معلوم کرد کمیسیون میرود و در این خصوص فکری می کند مطالعه می کند

دولت هم البته باید یک کمیسیون فلاحی راجع باین تقسیمات معین کند که در هر جا رعیت با مالک باید به چه ترتیب رفتار کند

ولی اگر می خواهید که دولت باین امور کاری نداشته باشد (مثل اینکه تا امروز کار نداشته) وقتی هم که کار نداشته نتیجه چه میشود؟

نتیجه این بوده که در یکجا بواسطه کمی رعیت مالک مجبور بوده است بیشتر حرف شنوی از رعیت بکند یا بواسطه ضعف مالک و زور رعیت یک ترتیبی قرار داده اند که سهم رعیت بد نیست و یک جای دیگر زنده گانی رعایا با یک قسمتی است که اگر کسی بخواهد شرحش را بدهد همه متأثر و متعجب می شوند و بمالکین تعرض می کنند

برای اینکه اگر داخل این قسمتها بشویم اشکالات بیشتر میشود نظر کمیسیون این بود که عرض شد حالا اگر می خواهید

داخل شود بسیار خوب باید دید که آیا این صلاح است یا نه؟

التی یک دسته که اکثریت این مملکت را تشکیل می دهند کارشان زحمت است و با زحمت باید زنده گانی کنند

بالاخره باید وضعیتی که بنده نمی خواهم شرح بدهم شاید تصور شود که مقصود غرضی در بین باشد و یک کله هم که می گویند عوام فریبی است (اگر کسی بگوید رعیت ثمنی بدبخت است یا برهنه است نان ندارد طبیب ندارد) اینها را کنار می گذاریم

دست غیب - عیبی هم ندارد بفرمایید

داور - ضرورتی هم ندارد

چون آقایان همه میدانند و چون امروز بنده می بینم که مالکین دارند از رعایا دلسوزی میکنند و طرفداری میکنند دیگر لازم نیست که بنده از آنها دفاع کنم

ولی اگر تمام این صحبتها را برای این است که بر مالیاتی چیزی تحمیل نشود چرا سهم خودتان را کمتر کنید؟

دولت میگوید از این صد خرواری که چهار خروار و نیم را من میگیرم حالا شما اگر می بینید رعیت آن بدبخت است و سی چهل من و درسی هم او کشیده میشود این سی چهل من را هم شما روی چهار خروار خودتان بکشید و از رعیت نگیرید هیچ انقلابی نخواهد شد

اگر این طور نیست و این دلسوزی ها برای منفعت خودتان است چرا این را صریح و روشن نمیگوئید؟ که من که مالک هستم و اکثریت هم دارم موافق هم دارم میخواهم مالیات کمتر بدهم

حالا بنده خیال میکنم یک قسمت را که همه درش موافق هستیم و آن این است که اگر یک قانون میزنی باشد بهتر از این است که هیچ باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

داور - البته صحیح است زیرا پس از مدتها تجربه شده در دوره گذشته از اول دوره تا آخرش یک قانونی می آمد و می رفت و بالاخره حالا به این صورت درآمد است که ملاحظه بفرمایید

ولی یک مواد دیگری هم دارد که خوبست و البته آقای وکیل الملک هم پس از اینکه بکفایت مذاکرات رأی داده شد می توانست نظریات و ایرادات خود را پیشنهاد بفرماید و البته پیشنهادت می برد کمیسیون و باز در آنجا مذاکره می شود و اگر می خواهید نتیجه بگیرید و زودتر مقصود برسم بعقیده بنده در کلیات زیاد مذاکره نکنیم

بنابراین اگر آقایان لطف بفرمایند نه نسبت به بنده برای اینکه بنده حاضر هم وقت مطالبی از طرف آقایان اظهار شد

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

جواب بگویم از شرق و غرب و غیره هم صحبت کنم

ولی برای اینکه کار بیش برود چون همه مقصود گذشتن کار است

پس بعقیده بنده بهتر این است در کاپیات بیش از این صحبت نکنیم و داخل در مواد شویم و مشکلات را با هم همان ماده اول است که در آن ماده یک نظر حلی و طرفدار سلامت و حقانیتی نگاه کنیم نه اینکه با هم حفظ منافع رعیت یک فرمایشی را بکنند که بالاخره بنده که مخبر و مجبورم که ناچار شوم خود را معرفی کنم بضیعت با رعیت و آنوقت بگویم غیر اینطور نیست و این حرفها برای حفظ منافع خودتان است و برای رعیت نیست

چون اگر غیر از این بکنیم تمام صحبتی که در اینجا میشود از مالک و رعیت خواهد بود و می باید در اینجا گفته شود بیچاره رعایا و بنده بیایم بگویم بیچاره رعایا هر طور میشود بشوند

با بالاخره بگویم که این بیشتر از نقطه نظر ملاکین است پس لازم نیست که ما رعایا بیچاره را در اینجا داخل کنیم و از طرفی هم نباید خیال کنیم که اگر کسی مالک شد این یک گناهکار و مقصر نیست و باید کردش را زد

خیر اگر یک مردمی نباشند که اگر در یکسکال که محصول در مملکت نیست همان رعایای بیچاره را نگاهداری کنند کی نگاهداری میکنند

بلی اگر یک عده شان می آیند شهر و گدائی میکنند بگفته دیگری هم هستند که مالک از آنها نگاهداری میکند و اگر واقف مالکی نباشد که از اینها نگاهداری کند کی نگاهداری خواهد کرد؟ مؤسسات بلدی که نداریم مؤسسات خیریه که نداریم و بالاخره باید همان مالک نگاهداری کند پس باید نظر بیطرفانه بایستی این موضوع را حل کرد نباید به اسم رعیت آمد و کاری کرد که مالیات دولت زمین بخورد و نه اینکه نظر بعضی نسبت به مالک (که البته نیست) باشد که بخود آنها و رعیت هر دو صدمه بخورد و بالاخره با یک طرز زبی طرفانه وارد در مواد شویم و در ماده اول اگر آقایان نظریاتی دارند و ایراداتی می بینند یک پیشنهادی بکنند بشرط اینکه تمام صحبت و اعتراض نباشد و راجع به بعضی قسمتهای دیگر هم بهر می رسانم

ولی راجع به اینکه از سهم ارباب بگیرند اشکالاتش بیشتر است بدلیلی که عرض شد راجع ببودی هم که فرمودند بعضی نواقص دارد و وجه بنده عیناً عرض نمیکنم چون مقصود بنده این است که نظراً اکثریت مجلس را که بیشتر قانون میزنی باشد بدام و بیل دارم مذاکرات در کلیات راهیچه زودتر کنار بگذاریم زیرا تمام اشکالات در ضمن

مواد رقم خواهد شد و در اساس این قانون هم که کسی مخالف نیست . بنا بر این بنده متقدم که مذاکرات در کلیات کافی باشد داخل شوم در خور مواد در ماده اول هم که این اساس مطالب است هر قدر می خواهد تسبعت کنتود و پیشنهادت بر ما باند دیگر بسته است بپیل آقایان .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده با کلیات مذاکرات مخالفم .
رئیس - بفرمائید .
حاج میرزا عبدالوهاب - این قانون خیلی اهمیت دارد بخصوص ما قائلان که فوق العاده قابل ذمت است در ماده اول هم همینطور مثل کلیات خواهند گفت مذاکرات کافی است در پیشنهادات هم که رای داده میشود معتقد خوانده میشود و می رود بکمیسیون و اکثریت نسبی کمسیون هم با آتفهائی است که میخواهند این قانون بگذرد چون آن روزی که در کمیسیون رای داده شد پنج نفر از نه نفر رای دادند که اکثریت نسبی بود .

بالاخره این قانون همینطور تعدیل به اهالی این مملکت میشود در حالیکه خیلی ایرادات هست که باید گفته شود و موافق و مخالف یکسان مطالب خود را بگویند بعد البته بسته به کمیست اکثریت مجلس است و اگر نماند که بکفایت مذاکرات رای گرفته شود آنوقت اسباب ذمت برای آتیه مملکت خواهد شد

بنا بر این بنده عقیده دارم که باید موافق و مخالف مطالب خودشان را بگویند بعد رای گرفته شود .

رئیس - رای میگیریم .
آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(عدد قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
بقیه مذاکرات را اگر اجازه میفرمائید بماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

(مجلس موقع ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الملک

جلسه ۱۳۳
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه بیست و یکم
دلو هزار و سیصد و سه
مطابق شانزدهم شهر
رجب یک هزار و سیصد و
چهل و سه

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر بیست و نهمین روز از ماه مبارک شوال تشکیل گردید

(صورت مجلس یکشنبه نوزدهم)
دلو را آقای اقبال الملک قرائت نمودند
رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای مائری زاده (اجازه)

حائز الزاده - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .
رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - نسبت بصورت مجلس گویا ایرادی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - حالا که قانون میزنی مطرح است خوب است از طرف وزارت مالیه یک نماینده نمایانجا باشد .

یروز آقای مغیر فرمودند که در کاشان مالیات را از ارباب روایت می گیرند در صورتی که اینطور نیست هر چه گرفته می شود از ارباب گرفته می شود و از رعیت چیزی نمیگیرند بفرودشان هم عرض کردم ایشان هم فرمودند خوب است از طرف وزارت مالیه یک نفر نماینده اینجا باشد این است که خواستم تقاضا کنم حالا که قانون میزنی مطرح است اطلاع بدهند یک نفر نماینده از طرف وزارت مالیه در مجلس حاضر باشد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی که می خواهم بکنم در مقام ترمیم نیست که بفرماید ایاز برای خود و نفی از دیگران کرده باشم .

مسلم است هر یک از آقایان نمایندگان که یک پیشنهادی را از امضاء می کنند تا مدرك و جهت آن را تفهمنند البته امضاء نخواهند کرد .

آقایان نمایندگان ولایات راجع به موافقتی و شهری یک پیشنهادی کرده بودند بنده هم امضاء کردم .

بنده نمی خواهم به آقای عباد السلطنه حمله کنم ولی چون بریر روز چیزی فرمودند بنده می خواهم از عقیده خودم دفاع بکنم .

این دفاع از جهت است یکی اینکه بودجه را وزارت مالیه مسئول است می نویسد و می آورد بمجلس ما باید تکلیف معلوم باشد .

یکم اینکه چون بنده هم امضاء کرده ام ولایت سایر آقایان هم که امضاء کرده اند از عقیده خودشان دفاع خواهند کرد

عقیده این است که عواید بلدی هر شهری که اهالی آن شهر برای تنظیم و آبادانی شهری دهند نباید بصرف و بگری برسد ولایت آقای عباد السلطنه هم تصدیق نمی کنند که عواید بلدی اصفهان را بیاورند بصرف شهری بگیریهای طهران یا جای دیگر برسانند .

البته عواید بلدی هر محل باید بصرف خودش برسد .

این پیشنهادی هم که کرده ایم چیز زیادی بر بودجه نیست .

صدقه نادره از تومان عواید بلدی است ما پیشنهاد کرده ایم بصرف آبادی شهرها برسد اما عوارض و عوارض بدارد تا بودجه که بمجلس می آید در این خصوص با چندیتی که دارم دفاع کنم تا شاید شهرها هم از حقوق خودشان استفاده کنند .

راجع بمعارف هم که پیشنهاد شده است بواسطه خاطر این است که بقصری در این مجلس پیشنهاد بصورت راجع بمعارف و صعبه شده است بنده می گویم تمام آن اظهارات مطابق با واقع است . آقای انتشار و شاهزاده شیخ الرئیس یک پیشنهادی کرده اند بجهت برداشتن فیمهائی برای معارف و صعبه که در بودجه سال بعد نگاه کنیم و ببینیم چه اندازه از آن را می توانیم صرف معارف و صعبه کنیم و در منزل آقای قائم مقام تبریزی چهل پنجاه نفر از آقایان نمایندگان ولایات آن پیشنهاد را امضاء کرده اند .

البته مطابق قانون اساسی نظر در وضع و خرج مالیات حق و کلاسات و غیر از نمایندگان کسی نمیتواند این کار را بکند .

ما نظر کردیم در همین ترفی مملکت در توسعه معارف و صعبه مملکت است و ما مطابق این عقیده آن پیشنهاد را امضاء کردیم و البته تعجب هم می کنیم حالا آقای عباد السلطنه می گویند عملی نمی شود .

بنده عرض می کنم اگر بنده و جناب عالی و سایر آقایان تعقیب کنند البته عملی می شود .

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده عرض می کنم عرایض بنده متوجه رئیس کل مالیه نیست زیرا بنده متقدم باینکه وجود آقایان

ولی شش سال خانواری سابق را مطالبه میکنند که تقریباً هزار و پانصد تومان میشود در صورتی که آنها بنهایت فقیر و پریشانند و هیچ چیز ندارند قریب چهارصد

یا بعد خانوار از زن و مرد آمدند بدنامان در تلگر افتخانه متحصن شده اند و میخواهند با فرت کنند بطرف مازندران و هیچ جواب ندری هم بآنها داده نشده و داده نخواهد .

بعضی از نمایندگان - وارد دستور کرده است

وزیر کسروی - تکرار می - اجازه می دهم

وزیر کسروی - تکرار می - اجازه می دهم

رئیس - قبل از اینکه وارد دستور

مشارعظم - بر بنده شبهه نیست که آقایان محترم نمایندگان در کلیه مسائلی که مطرح مذاکره در مجلس شورای ملی واقع میشود اعم از اینکه پیش نهاد کننده آن لوایح و مطالب و مسائل دولت باشد یا بعضی از آقایان نمایندگان باشند

هیچوقت در آنها بدون مطالعه و دقت اظهار نظر نمیکنند و البته باید همینطور هم باشد و لازمه حزم و احتیاط در مسائل مهمه خصوصاً مسائلی که در امور مملکتی مؤثر هستند این است که در آنها یک مطالعات دقیقهای عقیقه و کافی بشود و بنده یقین دارم که قسمت عمده از آقایان نمایندگان این نسبت بهمین موضوع قانون میزنی اطلاعات کافی دارند .

بچه اطلاعات معلی و چه اطلاعاتی که با انواع دیگر تحصیل فرموده اند ولی برای اینکه این قضیه بهتر روشن شده باشد بنده هم نظر بعضیوتی که در کمیسیون قوانین مالیه داشتم تحصیل اطلاعاتی کرده ام و خودم اطلاعاتی داشتم که بر آنها ضمیمه شده است و لازم میدانم که بعرض نمایندگان محترم برسانم

که در موضوع وضع این قانون حقیقتاً طوری عمل شده باشد که هم صرفه دولت از بیست جمع آوری مالیات بعمل آمده باشد هم مردمی که بایستی این مالیات را ادا میکنند در حسرت و زحمت فوق العاده نباشند .

اینجا قبل از اینکه بعرض توضیحات بپردازم می خواهم بنمایندگان محترم عرض کنم

که اگر در مملکت مایاره حوائج مقفود است و وسائلش موجود نشده اینرا نمی شود کتبا یک دسته بسا یک طبقه مخصوص دانست .

طبقات مردم ایران عموماً بواسطه عدم اطلاع با اوضاع عالم برای ترقیات و تکامل امور مدنی هر کدام در حد خودشان قصور دارند و این قصور هم بواسطه بی اطلاعی

تاجر - کاسب - فلاح - زارع و سایر طبقات و حالاً شاید بعضی طبقات تصورشان پیشتر بوده است که عموماً مورد بحث نیست)

ولی هر کس باندازه خودش قصور کرده است

وزیران عرض می خواهم اینطور نتیجه بگیریم که اگر در قسمت های مختلفه مملکت ملاحظه می شود که

اوضاع رعیتی خوب نیست و رعایا آن وضعیت خوبی را که باید داشته باشند ندارند .

این مسئله مربوط با آنها نیست که اداره امور رعایا و ملکیت را عهده دارند برای اینکه خود آنها هم بواسطه فقدان بار و وسائل در زحمت هستند و بواسطه فقدان باره مؤسسات در عسر تندند

همانطور که ملاحظه میکنید یک رعیت بواسطه عدم وجود شرایط صحیح در زحمت است

البته همانطور هم یک مالکی که از دسترس بوسایل صحی دور است در همان خطرات می افتد

آذربایجان و قسمت عمده خراسان و هم چنین قسمت بنادر و کرمانشاهان همیشه حاصل ارضی جزو صادرات می رفتند از این باب فایده عمده تحصیل میکنند و خدمت واقعی را این دسته میکنند والا شما نمی توانید حقیقتاً یک تجاری پیدا کنید که از این طریق یک خدمات مهمی باین مملکت کرده باشد و تازه این حسن در این مملکت شدیداً پیدا شده است که نوع تجارت هم طوری باشد که مفید بحال مملکت باشد و باید از واردات کاست و بر صادرات افزود و این رویه را هم از بین نجات مملکت که یکی از عناصر مهم هستند میخواهند شروع کنند .

ولی تا بحال سابقه نداشته و آنچه سابقه داشته است .

این خدمت اساساً بواسطه فلاخین بعمل آمده والا تجار اشخاصی نبوده اند که بتوانند کارخانجاتی در این مملکت تأسیس کنند که از آن یک حاصلی بدست بیاید که آن حاصل در بازار دنیا بفروش برسد و برای مسا سرمایه هائی جمع کنند

این نکته را هم باید متوجه بود که عایدی و منفعتی که از یک زمین یا از یک تجارت بدست می آید چقدر با هم تفاوت دارد شما اگر بخواهید یک ملک را که هزار تومان پول بدهید تا یک چنین ملکی را بشما بدهند و آن وقت همه ساله هم باید متحمل مخارج و زحمات فوق العاده بشوید و مواظبت های کافی بکنید تا اینکه بتوانید آخر سال آن هزار خروار را بدست بیاورید و این محصول را هم از قرار خرواری ده تومان ۱۲ تومان بفروشید آنهم بشرط اینکه به مشکلاتی برخورد کنید

حالا مثلاً در آذربایجان محصول و عواید خودشان را جمع کرده اند و در انبار خودشان گذاشته اند و میخواهند آن هارا بفروشند و یک قسمت حساسی مخارج حمل را در آنجا فراهم کنند

اینها بر میخورند یک مشکل مهم که آن مشکل مهم این است که مأمورین مالیه و مأمورین دولت چون خودشان عواید خاصه دارند و میخواهند آنها را بفروشند این است که می آیند در باب ارا قفل میکنند و مهر میزنند و اجازه نمی دهند که یکجبهه از جنس ممالکین بفروش برسد .

حالا حساب بفرمائید ببینید یک سال که بگذرد از این کتدها اینکه در انبار مانده است چقدر خسارت بصاحب ملک وارد می شود ؟

البته خسارات و ضرر و نفع عاید اشخاص میشود

ولی خسارت ممالکین دائمی است زیرا با همیشه اراضی آبش است یا این نوع خسارات دارد بالیکه دزد میزند

میرسانند البته با اوقاتی هم هست که خسارت و ضرر میرسد ندولی

عرض کردم به اینیکه ضرر و خسارت همیشه در عواید اشخاص پیدا می شود اما در مقام مقایسه اگر یک کسی سرمایه داشته باشد و بخواهد سرمایه خودش را بصرف سود مندی برساند و از این طریق عایداتی حاصل از راه تجارت بهتر می تواند منافع پیدا نماید

زیرا تجارت یک فوائد بی شماری را در بردارد که از املاک و اراضی غایب در مملکت ما آن منافع بدست نمی آید و حساب این عرض بنده هم معلوم است

زیرا ملک تومانی در عباسی یاسه عباسی خیلی که ترقی کند یک نفران بیشتر عایدی ندارد

مثلاً اگر کسی صد هزار تومان بدهد و یک ملک را بفروشد متوقع است که عایدی او در آخر سال هفت هشت هزار تومان باشد

آقا سید محیی الدین - هفت هشت هزار تومان هم نیست

مشارعظم - خوب بنده برای این که می خواهم طرفداری هم نشده باشد این طور عرض می کنم

ولی از صد هزار تومان اگر کسی بخواهد از راه تجارت استفاده کند اگر شانس داشته باشد ممکن است صد هزار تومان در آخر سال انتفاع ببرد

حالا در اینصورتی که بعرض آقایان نمایندگان محترم رساندم می خواهم در آخر اینجمله را هم اضافه کنم

که مسئله ملک داری در ایران هیچ استهزا ندارد که بایک اداره خیلی لطیفی گفته شود

د شما مالکید و می خواهید طرفداری رعیت را بکنید

امریکائی ها اسباب یک اصلاحاتی در مملکت ما خواهد بود و نهایت اطمینان را هم بصحت عمل آنها دارم

شکایات بیشتر متوجه است بامورین مالی و نظریات آنها که برای حسن تجلی و خدمت تجملاتی برخلاف قانون بر میکنند

ممکن است رئیس کل مالیه هم تشکله باشد

من جمله درسی سال قبل در دبیر میزنی شد برای قیام دامغان هفت روز و دو نفران جزو جمع بوده است و این ترتیب معلوم بود تا این زمان

پارسال یکی از نمای مالیه برای کردن عایدات و برای اینکه حسن بخرج داده باشد مالیات قیام را بترک گذاشت که اجازه دهد

این ترتیب عملی نشد تا در این روز قبل امین مالیه مأمور گذاشته است در روز و از هر باری ده شاهی و یک فران باختلاف مالیات بگیرند و هفت تومان دو دو فران مالیات قیام که سابقاً میزنی شده بوده است تبدیل شده است بیست و دو تومان بدون اینکه هیچ نظری داشته شد که مجلس این مالیات را تصویب کرده یا نکرده

الآن هم هفت هشت روز است که در دامغان تعطیل عمومی است و همه در تلگر خان متحصن شده اند و هر چه شکایت میکنند بآنها جواب داده نمیشود و البته معلوم است آخر الدوا و مرجع امیدواری هم مجلس شورای ملی است

شکایات هم که بمجلس میرسد بکمیسیون عرایض هم جوابهای فرمالیته میدهد که اقدام شده یا میشود و نتیجه را اطلاع می دهد

بنده میخواهم از کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی تقاضا کنم که اختیارات کمیسیون عرایض را بیش از این قرار دهند که بتوانند داخل عمل شود و رسیدگی کند

یا اقلاً (با عرض سابق خودم تکرار میکنم) انجمن های ایالتی و ولایتی را تشکیل دهند تا این که مردم از این کشاکش ها و اشکالات خلاص شوند و در اختلافاتی که بین مردم و مأمورین دولت پیدا میشود طراوت کنند

یک مثال دیگر

قضیه این است که در دامغان یک دهی است که هیچ خانوار نداشته حالا که مجلس مالیات خانواری را رد کرده است مالیات خانواری هذالسنه را مطالبه نمی کنند

ولی شش سال خانواری سابق را مطالبه میکنند که تقریباً هزار و پانصد تومان میشود در صورتی که آنها بنهایت فقیر و پریشانند و هیچ چیز ندارند قریب چهارصد

توسعه معارف و صعبه مملکت است و ما مطابق این عقیده آن پیشنهاد را امضاء کردیم و البته تعجب هم می کنیم حالا آقای عباد السلطنه می گویند عملی نمی شود

بنده عرض می کنم اگر بنده و جناب عالی و سایر آقایان تعقیب کنند البته عملی می شود

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده عرض می کنم عرایض بنده متوجه رئیس کل مالیه نیست زیرا بنده متقدم باینکه وجود آقایان

ولی شش سال خانواری سابق را مطالبه میکنند که تقریباً هزار و پانصد تومان میشود در صورتی که آنها بنهایت فقیر و پریشانند و هیچ چیز ندارند قریب چهارصد

برای اینکه در ایران هیچ مؤسسه نیست که از راهایانگهداری کند دولت که نگاهداری نمیکند

بانکهای فلاحی و سایر موسسات خیریه هم نیست تا از راهایانگهداری کند این حرفها که گفته میشود: دموکرات . سوسیالیست - طرفدار رنجبر

اینها هم همه يك دل هاسیاسی است و برای وجود مقامات است **یاسائی** - اینطور نیست مردم مسلک دارند.

مشارعظم - خود بندهم دارای يك عقایدی هستم که آن عقاید و افکار را در اینجا جرئت نمیکنم بگویم ولی اینست که در این موضوع ندارم البته هر کس يك مسلکی دارد

مقصود عرض بنده این است که اگر يك عقاید دموکراسی اظهار میشود فوراً برای این نیست که يك بانک فلاحی هم پشت سرش تأسیس شود.

شیر وانی - پس برای چیست؟ **مشارعظم** - برای این هست ولی در عمل اینطور نیست. بهر حال تکرار این مطلب در اینجا خیلی مهم نیست و ممکن است برویم بیرون و قضیه را حل کنیم.

هیچالتأیر مطلب در مجلس حل نمیشود و اینجا هم حلش نیست و موضوع خیلی طولانی و قابل بحث است

میخواهم عرض کنم که متأسفانه وضعیت گذشته طوری پیش آمد کرده است که در ایران مؤسساتی که مردم می توانند از آنها يك استفاده های کاملی بکنند هنوز بوجود نیامده است

بنابر این بيك رعیتی که از بازار آمده یا بواسطه گاو میری از بازار آمده یا عالمه اش ضعیف شده و حقا محتاج بكمك و استعانت است.

کسی نیست که يك كمك و حمایتی از او بکنند و مؤسساتی نیست که با او مساعدت کند.

در اینجا این نکته را هم باید در نظر گرفت که اگر يك ارباب یا يك مالکی در موقع وضع مالیات بر املاک از رعیتش حمایت میکند نباید خیال کرد که این حمایت را اخذ ندارد.

خیر این حمایت خیلی صحیح و موقع است برای اینکه هر کس بدستگاه خودش هر چه باشد يك تعلقات جبلی و طبیعی دارد.

مثلاً يك نفر خیاط به ماسوره چرخش علاقه مند است بسوزن و نخش هم علاقه مندی است همینطور شاگردش هم علاقه دارد و با او را كنك هم میزند و روزی ده شاهي بیشتر نماندند

مذلك وقتی شاگردش مریض میشود باز مضطرب می شود و هلی ایصال این علاقه برای او هست.

حالا نمیخواهم بگویم در اینجا این علاقه که اظهار میشود تنها از لحاظ فتوت است؟ خیر

برای منفعت شخص خودش است. پس اگر وقتی يك مالکی از رعیتش حمایت میکند اینرا نباید بر خلاف حقیقت فرض کرد.

البته حقیقت دارد زیرا منفعت خودش هم در کار است ملاحظه فرمائید. کار ملك را کی میکند؟

کار ملك را سنگی که در روی زمین است نمیکند. آب هم اگر بنا شود بخودی خود جریان پیدا کند و تمرکز پیدا کند که باطلان می شود.

در باطلان هم که زراعت نخواهد پس همه اینکارها با رعیت است و او است که حقیقتاً عضو اصلی و از کان مهم زراعت است

و ممکن نیست مالک بدون وجود رعیت اینکارها را بکنند یا استفاده ببرد

پس فعلاً مالک بر عتبت خلافتند است و از اینجهت است که همیشه سعی میکنند و زحمت میکشند که رعایای ملك مجاور را به ملك خودش بیارند و بکنند گاهی هم زحمت میکشند و از تقاطع بنبهه مملکت تحصیل می کند

و در این راه هم پول هائی خرج میکنند و گذشته طوری پیش آمد کرده است که در ایران مؤسساتی که مردم می توانند از آنها يك استفاده های کاملی بکنند هنوز بوجود نیامده است

بنابر این بيك رعیتی که از بازار آمده یا بواسطه گاو میری از بازار آمده یا عالمه اش ضعیف شده و حقا محتاج بكمك و استعانت است.

کسی نیست که يك كمك و حمایتی از او بکنند و مؤسساتی نیست که با او مساعدت کند.

در این باب نمیخواهم بیشتر از این چیزی عرض کنم. حالا وارد میشود در اصل قضیه که قانون میبزی باشد.

اولاً باید دانست که چه شد این فکر (قانون میبزی) در وزارت مالیه پیدا شد هلنش این بود که بواسطه انقلابات و خرابیهای عمده که در مملکت روی داد ملاکین و رعایا همه بصددا درآمدند و عرض حال های متعدد و مکرر بوزارت مالیه و ریاست وزراء و سایر مقامات عالی فرستادند و تظلم کردند که این مالیاتی که امروزه از ما گرفته میشود بهیچوجه متناسب با احوال امروزه ما نیست.

مالیات بنده بود برای این بود که به همان تناسب عایدی داشت.

ولی امروزه اینطور نیست و املاک ما بواسطه خرابیهای زیاد و ناخوشیهای متوالی و سایر اغتشاشات مملکتی قدرت پرداخت این مالیاتها را ندارد و محتاج به این است که در آنها يك وقتی کنید و ببینید باز هم املاک ما با بدین مالیات را بدهد؟

این قضیه ناشی از خود ملاکین شد که از دولت درخواست کردند که بیاید املاک آنها را میبزی کند و از روی عدالت از آنها مالیات بگیرد.

این مسئله در بيكی دو نقطه وقوع پیدا کرد. مثلاً در قریب و قسمتی از همدان و شاید همینطور در گیلان که آمدند و يك دفتهائی کردند و پس از آن دقت ها يك تبدیلیاتی هم در بعضی جاها شد و اینجا مثل قضیه مظلومی شده است که رفت پیش حاکم و گفت اموال مرا در بین راه دزد برد و مرا غارت کرده است خودش را گرفته و حبس کردند بجای این که دزدش را تعقیب کنند به او گفتند نشانه دزد را بده و نگذاشتند بیرون برود.

حالا در وضع این قانون میبزی هم دارد رفته رفته طوری بروز احساسات می شود که خود آنها هم که شکایت داشته اند از میبزی قدیم و تقاضای میبزی جدید داشته اند دارد این میبزی آنها را به خطر می اندازد.

منشأ و مبدا وضع این قانون بواسطه این بوده است که تعدیلی در مالیاتها شود و در کمیسیون هم که ما از خود دولت سؤال کردیم.

خودش معتقد بود که مقصود از وضع قانون میبزی این نیست که حالا خود دولت با ضمايف مضاعف بالا برود بلکه مقصود این بوده است که از روی عدالت مالیات گرفته شود.

مثلاً اگر کسی مالیات زیادی می برداخته نبردازد و اگر يك اشخاصی املاک تازه آباد کرده اند یا املاک قدیشان ترقی کرده بنسبت عواید بیشتر بپردازند که عدالت کم نشده باشد و مقصود غیر از این چیز دیگری نبوده

بنابر این البته آقایان نمایندگان محترم هم در نظر خواهند گرفت که در تصویب این قانون بایستی رعایت این مسائل کماو کیفاً بشود و نباید هیچکدام از نظر محو شود و در این قانون این مسائل را البته باید در نظر بگیرند.

ولایعهای را هم که دولت آورد دال بر این نبود که مالیات را میخواهد از کل عواید ملك بگیرد و توضیح هم نکرده بود که من این مالیاتی را که میخواهم بگیرم منظورم این است که از خرمن بردارم بدون اینکه توجه داشته باشد که طرز تقسیم

ارباب و رعیتی آنچه عواید بود در آن تقسیمات آیا مالیات بردوش رعیت هم وارد میشود یا خیر؟

و بعضی از آقایانی که در کمیسیون عضویت داوطلب سابقه دارند و آقایان دیگر هم در کمیسیون دعوت شدند و معلوم شد که دولت در ارسال لایحه اولی يك تحقیقات جامعی نیست بتقسیمات ارباب و رعیتی و سایر مسائل مربوط بملك تکرر بود.

بنابر این چون دولت هم متذکر شد که لازم است در این قضایا بين تحقیقاتی بکنید از ایالات و ولایات و اطراف يك تحقیقاتی هم کردند و مطالعه شد يك مطالعاتی هم به جدول هائی که در کمیسیون آورده بودند نمودند

در آنجا نرخ اولیه که بنظر دولت آمده بود بنظر همه زیاد آمد و خود دولت هم معتقد شد که آن نرخ خیلی زیاد بود و آن میزان مالیاتی نبود و موافق شدند يك تنزلی در آنها بدهند اما بازم در آنجا يك اختلاف نظر دیگری بود و آن این بود که در صورتی که خود دولت هم راضی نخواهد بود باینکه مالیات بر سهم رعایا تلقی ببرد باید از سهم ارباب گرفته شود و هر چه گرفته میشود و ارباب مؤدی مالیات باشد زیرا رعایا استطاعت و توانائی پرداخت مالیات را ندارند.

در کمیسیون این مسئله با يك ملاحظه طول کشید و همه اش هم در ماده اول در همین موضوع اختلاف نظر شدیدی و بعضی می گفتند چه عیب دارد که مالیات را از کل عایدات بگیریم و از سهم ارباب بگیریم جمعی هم معتقد بودند که مالیاتی که گرفته می شود خوب است از سهم خود ارباب ملك یعنی از عایدات ارباب ملك باید گرفته شود و از رعایا که هزارها مردم از این قبیل هستند از آنها چیزی نگیریم و آنها را بگذاریم بعايدی خودشان زندگانی کنند چون عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً آن درست نمیتواند زندگانی کنند چون عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً با آن تازه آباد کرده اند یا املاک قدیشان ترقی کرده بنسبت عواید بیشتر بپردازند که عدالت کم نشده باشد و مقصود غیر از این چیز دیگری نبوده

مثلاً اگر کسی مالیات زیادی می برداخته نبردازد و اگر يك اشخاصی املاک تازه آباد کرده اند یا املاک قدیشان ترقی کرده بنسبت عواید بیشتر بپردازند که عدالت کم نشده باشد و مقصود غیر از این چیز دیگری نبوده

بنابر این البته آقایان نمایندگان محترم هم در نظر خواهند گرفت که در تصویب این قانون بایستی رعایت این مسائل کماو کیفاً بشود و نباید هیچکدام از نظر محو شود و در این قانون این مسائل را البته باید در نظر بگیرند.

ولایعهای را هم که دولت آورد دال بر این نبود که مالیات را میخواهد از کل عواید ملك بگیرد و توضیح هم نکرده بود که من این مالیاتی را که میخواهم بگیرم منظورم این است که از خرمن بردارم بدون اینکه توجه داشته باشد که طرز تقسیم

بیشتر عایدات خواهد داشت مقصود همین بود در اینجا حسابهائی در کار آمد و مجموع و خرجی ترتیب دادند و حسابهای تنظیم کردند بکنده از نمایندگان محترم معتقد هستند که اگر از عایدات ملك عشر گرفته شود

در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عوایدی که بطور پورسانت از هر کس محصول ملك ما وضع می کنیم و بنده همین را توضیح میدهم و خیلی هم مصر نیستیم که حتماً این منظور پیش برود ولی برای اینکه آقایان نمایندگان خوب مستحض شوند لازم است دانم این مطالب صدی چهار و نیم بر محصول آبی و صدی شش و نیم بر دیمی مخصوصاً شش و نیم در صد از دیمی

بیشتر عایدات خواهد داشت مقصود همین بود در اینجا حسابهائی در کار آمد و مجموع و خرجی ترتیب دادند و حسابهای تنظیم کردند بکنده از نمایندگان محترم معتقد هستند که اگر از عایدات ملك عشر گرفته شود

در نتیجه بیشتر خواهد شد از آن عوایدی که بطور پورسانت از هر کس محصول ملك ما وضع می کنیم و بنده همین را توضیح میدهم و خیلی هم مصر نیستیم که حتماً این منظور پیش برود ولی برای اینکه آقایان نمایندگان خوب مستحض شوند لازم است دانم این مطالب صدی چهار و نیم بر محصول آبی و صدی شش و نیم بر دیمی مخصوصاً شش و نیم در صد از دیمی

دیمی يك مالیاتی است که هیچکس عمل او را ندارد وضع این مالیات در محصول دیم اساساً بی فایده بوده و حساب نکرده این کار را کرده اند در اینجا يك لغظی گفته میشود و آن این است که چون دیم محتاج بآب نیست و يك خرج کمی دارد باید مالیاتش زیاد تر باشد و این یکی از اشتباهات بزرگ است و حساب دیم را هیچکس نکرده چطور نکرده اند؟

حالا بنده عرض میکنم چقدر در میزان حقوق اربابی بیشتر است

اینکه در دیم از رعایا بارها بارها ماکم میدهند علتش این است که زحمات رعایا در اینجا بیشتر است بنده حالا شرح میدهم در يك معوطه اگر میخواهم صد خر و در تخم بیاشیم که آنجا بآب آبیاری بشود یا دیم وسعت آن قسمت زمینی که محتاج بزراعت دیم است چهار مسوازی آن زمینی باید يك رعایا که هزارها مردم از این قبیل هستند از آنها چیزی نگیریم و آنها را بگذاریم بعايدی خودشان زندگانی کنند چون عایدی آنها خیلی کم هست و حقیقتاً آن درست نمیتواند زندگانی کنند و گفتند حتماً باید از عایدی ملك گرفت حالا لازم

میشد در اینجا بارها بارها ماکم و جمع و خرج بشود و بینم اگر عشر عایدی ملك بگیرند یا بر كلاً املاک پورسانت بکنند و از عایدی ملك بگیرند صرفه اش کدام بیشتر است و عوایدش کدام یکی زیادتر است

مثلاً اگر کسی مالیات زیادی می برداخته نبردازد و اگر يك اشخاصی املاک تازه آباد کرده اند یا املاک قدیشان ترقی کرده بنسبت عواید بیشتر بپردازند که عدالت کم نشده باشد و مقصود غیر از این چیز دیگری نبوده

بنابر این البته آقایان نمایندگان محترم هم در نظر خواهند گرفت که در تصویب این قانون بایستی رعایت این مسائل کماو کیفاً بشود و نباید هیچکدام از نظر محو شود و در این قانون این مسائل را البته باید در نظر بگیرند.

ولایعهای را هم که دولت آورد دال بر این نبود که مالیات را میخواهد از کل عواید ملك بگیرد و توضیح هم نکرده بود که من این مالیاتی را که میخواهم بگیرم منظورم این است که از خرمن بردارم بدون اینکه توجه داشته باشد که طرز تقسیم

ملاحظه فرموده اند در آن صورت حسابی که فرستاده اند آن مبلغ پنجاه و شش هزار تومان اعانه را در ارومیه بصرف رسانیدند از یکصد هزار تومان فرضه موضوع کرده در صورتیکه آن صد هزار تومان ابتدا بصرف نرسیده و همان پنجاه و شش هزار تومانی که اعانه بوده و متعلق بخود اهالی بوده بصرف رسیده و وزارت مالیه این پنجاه و شش هزار تومان را از بابت صد هزار تومان حساب میکند در صورتیکه اگر آن پنجاه و شش هزار تومان جزء عایدات مملکتی حساب میشد باید از یکصد و پنجاه و شش هزار تومان موضوع شود نه از يك صد هزار تومان.

در صورت این مبلغ پنجاه و شش هزار تومان اعانه را که وصول شده بعنوان فرضه ب مردم داده اند و حالا دارند با كمال فشار از مردم مطالبه میکنند از طرف اهالی هم به اغلب آقایان مخصوصاً به آقای رئیس محترم مجلس چندین مرتبه شکایت شده و بنده در اینصورت متوالیاً بوزارت مالیه کاغذ نوشتم و استدعا کردم که در این قضیه امان نظری نمایند

مع التأسف در وزارت مالیه غیر ممکن است که باین قبیل حرفها اهمیت بدهند در تاریخ بیست و ششم برج غیربهم سئوالی در در این باب از وزارت مالیه کرده ام و آقای وزیر مالیه تا بعال تشریف نیاورده اند جواب بدهند و تصور میکنم یعنی عقیده بنده این است همان طوریکه در انقلاب فرانسه مردم از کثرت ظلم و تعدی و فشاری که در مجلس باستیل دیده بودند در موقوف انقلاب ریختند و آنجا را خراب کردند اند

اگر خدا نخواسته در ایران انقلابی پیش می آید منشأ و مآخذ آن وزارت مالیه خواهد بود و اول باید مردم در تخریب آن چا بگوشند

رئیس - آقای حاج سیدالمحققین - (اجازه)

حاج سیدالمحققین - طرح قانونی است که از طرف جمعی از آقایان پیش نهاد شده و بتوسط بنده تقدیم مجلس میشود چون تقاضای فوریت شده است البته در اول دستور قرائت خواهد شد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - بنده خواستم از کمیسیون محترم بوجه تقاضا کنم زودتر رایورت راجع بلایحه که برای معارف و صحبه مملکت تهیه و بکمیسیون ارجاع شده ب مجلس بدهند که در ضمن تکلیف بوجه هم معلوم شود و از قرائت معلوم دولت هم باین لایحه موافق است

دیگر اینکه میخواستم عرض کنم تقریباً مدت شش ماه است سئوالی از وزارت

رئیس - آقای افشار - (اجازه)

افشار - اگر بگذرد تومانیان مراجع شود معلوم میشود که در آن موقع آقایان طلب خود را برداشت کرده اند یا خیر تومانیان در آن موقع بکشاهی نمی توانست بدهد و در همان تاریخ طلب آقایان را از بابت این پول پرداخته است

بنده عرض کردم ایشان فرمودند بر بنده هم رفته و همان روز هم از کمیسیون استجازه کردم ظاهراً گویا خبرش هم رسیده باشد

آقای میرزا رضاخان افشار - قریب هفت سال قبل در موق ...

رئیس راجع بصورت مجلس اگر اظهار دارید بفرمائید

رئیس - آقای حاج سیدالمحققین - بنده بمدار تصویب صورت مجلس عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سیدالمحققین - (اجازه)

رئیس - آقای آقا سیدالمحققین - طرح قانونی است که از طرف جمعی از آقایان پیش نهاد شده و بتوسط بنده تقدیم مجلس میشود چون تقاضای فوریت شده است البته در اول دستور قرائت خواهد شد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب - بنده خواستم از کمیسیون محترم بوجه تقاضا کنم زودتر رایورت راجع بلایحه که برای معارف و صحبه مملکت تهیه و بکمیسیون ارجاع شده ب مجلس بدهند که در ضمن تکلیف بوجه هم معلوم شود و از قرائت معلوم دولت هم باین لایحه موافق است

دیگر اینکه میخواستم عرض کنم تقریباً مدت شش ماه است سئوالی از وزارت

رئیس - آقای افشار - (اجازه)

افشار - اگر بگذرد تومانیان مراجع شود معلوم میشود که در آن موقع آقایان طلب خود را برداشت کرده اند یا خیر تومانیان در آن موقع بکشاهی نمی توانست بدهد و در همان تاریخ طلب آقایان را از بابت این پول پرداخته است

مالیه کرده ام و برای جواب حاضر نشده اند بنا بر این استدعا میکنم تا یک نفر بفرمایند که حاضر شوند و جواب بدهند

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** (اجازه)

مقصود بنده اینست که چندین طرح من جمله جمله طرح راجع صحبه و معارف مملکت که آقای حاج میرزا عبدالوهاب هم بآن اشاره فرمودند و طرح پیشنهادی آقای داور و چندتای دیگر بکمیسیون بوده مراجع شده و هنوز خبرش ب مجلس تقدیم نشده و معلوم نیست که دولت موافقت کرده است یا نکرده است خوب است تکلیف آن را زودتر تعیین کنند زیرا مردم ولایات از حیث امور صحی خیلی در زحمت هستند و اگر قدری بتأخیر بقیتمتعامل است گفته شده موق گفته است و باز مثل امسال همینطور بماند بنابر این خوب است موق ننگذشته است و بوجهها مطرح نشده است يك فکراساسی برای صحبه و معارف ایالات و ولایات باشد زودتر این را یرت داده شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای همدان السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - اولاً راجع بلوایعی که آقایان فرمودند این لویا بچدر کمیسیون مطرح شد و شرحی هم بوزارت مالیه نوشته شد و معاون وزارت مالیه هم از طرف کمیسیون خواسته شد و در اینخصوص مذاکرات شد و بالاخره قرارداد که تادو هفته دولت نظریاتش را در اینخصوص اطلاع بدهد

ولی بنده اجازه خواسته بودم برای جواب اظهارات آقای افشار اگر چه بنده نمیخواهم جواب ایشان را بدهم ولی در آنقسمت که فرمودند بيگي دو نفر از وزراء وقت در آن موقع طلبشان را از بابت اعانه وصول کردند

این مطلب واقعیت ندارد مخصوصاً آقای مشار الملک در چندین قبل که این مسئله در کمیسیون بوجه مذاکره شد با حضور آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت و رئیس کل مالیه این مسئله را در آنجا بیان کردند و کلاماً توضیح دادند مورد تصدیق هم واقع شد و این ترتیبی که ایشان فرمودند واقعیت ندارد

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - اگر بگذرد تومانیان مراجع شود معلوم میشود که در آن موقع آقایان طلب خود را برداشت کرده اند یا خیر تومانیان در آن موقع بکشاهی نمی توانست بدهد و در همان تاریخ طلب آقایان را از بابت این پول پرداخته است

عماد السلطنه - اینکه گناه نیست که

طلب آقایان را پرداخته است.
رئیس - شعبه ها امروز باید تجدید شود.
 مدد حاضر مرکز دو چهارده فرست و هر شعبه ۱ نفر خواهد بود.
 (آقای معظم السلطان بطور قریه اسامی آقایان نمایندگان را بترتیب ذیل قرائت نمودند)
 شعبه اول - آقای حاج میرزا اسدالله خان.
 شعبه دوم - آقای میرزا شهاب الدین - دستغیب نظام التولیه - رئیس التجار - قائم مقام الملك مصدق السلطنه - امیر اعلم - آقا سید حسن اجاق - حاج میرزا عبدالوهاب - سهراب خان مؤتمن الملك - محمد هاشم میرزا (شیخ الرئیس) سردار مقیم - امین الشریعه - سلطان العلماء امیر حشمت - سردار فاخر - سردار ناصر شعبه دوم - معظم السلطان - کازرونی حاج مشاعر اعظم - مدرس - سر کشیک زاده **یک نفر از نمایندگان** - کی؟
معظم السلطان - سر کشیک زاده **یک نفر از نمایندگان** - باندتر فرماید نمی شود
رئیس - اسامی را مینویسند بعد اعلان می کنند بعد از آن زحمت نوشتن ندهید.
 (آقای معظم السلطان مجدداً بترتیب ذیل شروع بقرائت اسامی نمودند)
 مشیرالدوله - صدر الاسلام - حاج میرزا علی رضا - محمدولی میرزا - امیر اتیار - الدوله - مقوم الملك - آقا شیخ علی مدرس قائم مقام - آقا سید یعقوب - آقا سید مصطفی بهبهانی - آقا سید محی الدین - مستوفی المالک - آقا میرزا سید احمد بهبهانی مدیر الملك
 شعبه سوم - مشاعر اعظم - ضیاء الاطباء غلامحسین میرزا - صدر اعظم - آقا میرزا آقاخان عصر انقلاب - سردار نصرت روحی - ضیاء الملك - حاج آقا اسمعیل عراقی - آقا شیخ هادی (شیخ الرئیس) - ملک الشعراء - آقا میرزا سید حسن کاشانی - تقی زاده - سردار سیه - سهام السلطان دیوان بیگی - آقا میرزا رضاخان افشار - علامتی
 شعبه چهارم - سردار عشار - نصرت الدوله - امیر احتشام - آقا میرزا جوادخان سلیمان میرزا - آقا شیخ محمد علی طهرانی میرزا سید حسن خان زعیم - مشیر معظم - نظم الملك - مصدق الملك - ارباب کبیر و وحیده الدوله - حاج زاده - داور - شریعتمدار دامغانی - هاتم - سیف اله خان صدق السلطنه - شریعت زاده
 شعبه پنجم - آقا میرزا بداله خان - رهنما - امیر اشرف مشاعر الملك - ناصر الاسلام

حاج ملک التجار - مساوات - شیروانی سالار لشکر - کی استوان - حاج میرزا - یحیی دولت آبادی - هر مزی - المونی احتشام الهکماء - معاضد السلطنه - شیخ المیرزا ابن زاده - آقا شیخ عبدالرحمن - آقا شیخ جلال العین - سردار معتمد
 شعبه ششم - آقا میرزا سلیمان خان ایزدی - بمن الملك - صوت السلطنه - آقا سید کاظم یزدی - وکیل الملك - حاج سید المعقین - صدر العلماء مفتی - یاسانی - تدین - مواد السلطنه - اخگر - معتمد السلطنه آقا سید محمد علی شوشتری - شیخ الاسلام ملایری - دکتر آبیاء السلطنه - قوام الدوله نجات - عدل الملك - اقبال الملك
رئیس - طرح پیشنهادی نوزده نفر از آقایان نمایندگان قرائت میشود بعد تکلیفش را مینویسند
رئیس - نظر باینکه در سنوات اخیر کسر پرستی و زاهداری قشون و استقرار امنیت را آقای سردار سیه هدم دار شده اند بسا اقدامات و جدیت ایشان قوای مسلح مملکتی بطور غیر مترقب بیدار جرقه و انتظام رسیده که آرزوی هر ایرانی وطنخواهی بوده و میباشد.
 و نظر باینکه بیرکت این قوه منظم و عملیات قشونی و مرافقت و جدیت آقای سردار سیه امنیت کامل در تمام مملکت حکم فرما گردیده و جای تردید نیست که این قوه تأمینیه هنوز تا سنوات مدیده بالضروره باید در دست موجود باقی بماند تا بدینجه گمال برسد و استنفادات سیاسی و اقتصادی عمومی کامل شود
 علیهذا ماده واحده ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را بفرمودند در این جلسه می نماید.
 ماده واحده - مجلس شورای ملی ریاست مالبه کل قوای دفاعیه و تأمینیه مملکتی را مخصوص آقای رضاخان سردار سیه دانسته که با اختیارات تامه در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی انجام وظیفه نمایند و سمت مزبور بدون تصویب مجلس شورای ملی از ایشان سلب نتواند شد
رئیس - تقاضای فوریت شده است نسبت بفروریست ایرادی نیست
بعضی از نمایندگان - شیر **رئیس** - رأی می گیریم بفروریست آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد باید مراجعه بشود بکمیسیون؟
آقای تدین (اجازه)
تدین - مقصود از تقاضای فوریتی که شده است بنده و سایر آقایان هم امضاء کرده ایم فوریت به معنی ثانوی است یعنی بدران ارجاع بکمیسیون در خود مجلس مطرح شود.

رئیس - رأی می گیریم بفروریست یعنی عدم ارجاع بکمیسیون آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شده ماده واحده دو باره قرائت میشود
 (بشرح گذشته قرائت شد)
رئیس - آقای رهنما (اجازه)
رهنما - بنده موافقم
رئیس - آقای سردار عشار هم موافقت؟
سردار عشار - بنده اجازه نخواستام
رئیس - آقای یاسانی (اجازه)
یاسانی - موافقم
رئیس - آقایان سهام السلطان و تدین هم موافقت؟
سهام السلطان - بلی
رئیس - مخالفی ندارد (بعضی گفتند خیر)
آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی دارم - باید توضیح داده شود
 (همه بین نمایندگان) **تدین** - توضیح مورد ندارد
رئیس - (خطاب بآقا سید یعقوب) پیشنهادی اگر دارید بفرمایید
آقا سید یعقوب - بلی پیشنهاد دارم (پیشنهاد خود را تسلیم نمودند)
رئیس - پیشنهاد ایشان اصلاح عبارتی است که مملکتی را تبدیل بکنند بایران
آقا سید یعقوب - بلی مملکت ایران
رئیس - بفرمایید
آقا سید یعقوب - بنده باینکه همه هیاهو کردند گمان نمی کنم کسی باشم که مخالف در این موضوع داشته باشم و همه آقایان هم گمان میکنند بنده را شناخته باشند آنهم در یک موضوعی که همه مجلس موافق هستند من بطور مخالفت بکنم که آقایان اظهار حرارت میکنند
 بنده عبارت چون مملکتی بود نوشتم قوای مملکت ایران و این را بنده تبدیل کردم که عبارت از قوای دفاعیه و تأمینیه مملکت ایران باشد این را عرض کردم دیگر از هر طرف حمله معترضی نبود قبول نمی کنند نکنند
بعضی از نمایندگان رأی بگیرد
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده تصور نمی کردم که آقای آقا سید یعقوب اینطور پیشنهاد اصلاحی بکنند

مملکت مملکت ایران است - مجلس شورای ملی هم مجلس ایران - آقای سردار سیه هم ایرانی قشون هم ایرانی - مگر یک تفاهمی ممکن است اتفاق بیفتد که بگویند مقصود از این مملکت مملکت فرانسه است یا جای دیگر ۱۲ خیر
رئیس - رأی بگیریم
آقا سید یعقوب - بلی بلی
رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
 کسی قیام نکند
رئیس قابل توجه نشد
 پیشنهاد دیگر از آقای مدرس (بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم بعد از لفظ تأمینیه بین الهالین (وامینیه) شود مدرس - چونکه آقایان در حقیقت صلاح تدین در این مسئله صحبت بشود و من هم بفروریست ندادم و اصلاح هم در آن بود که بیست و چهار ساعت بگذرد
 اما حالا که اکثریت رای داده است هیچ
 این پیشنهادی که عرض کردم چون بر حسب ترکیب هیات دفاعه دارد باید بهلویس هم تأمین باشد البته دفاعه و امینیه همچو لفظ مناسبی نیست و باید تأمینیه باشد
 لیکر تأمینیه که مناسب با قوه قشون و نظامی است که مادر این پیشنهاد اختصاص داده ایم به آقای سردار سیه آن تأمینیه بیرون است یعنی نظیه نیست و نظیه خارج است و با قشون و نظام مناسب ندارد
 اما تأمینیه مملکتی چون ظاهر شامل نظیه هم میشود و ما از امور کشوری فقط امینه را اختصاصی بقشون داده ایم و الا امینیه هم از امور کشوری است و امور لشگری باید از کشوری مجزا باشد منتهی بواسطه مصالح مملکتی و ارتباطی که امروز امینه با قشون دارد و باید داشته باشد امینه بیرون اختصاص دارد و بواسطه قوه و قشون دارد بهتر میتواند امنیت را حفظ کند همانطور که تجربه شده
 اما لفظ تأمینیه نباید شامل نظیه هم بشود و من مخالف هستم
 کلیه امور کشوری بیرون است از نظام خصوصی نظیه که بکلی بر بطاست لذا بنده تقاضا کردم که در بین الهالین امینه شود که از خصوص امور کشوری فقط امینه بیرون اختصاص بپردازد یعنی رئیس کل قشون دارد حالا آقایان دیگر هر طور صلاح میدانند رای بدهند
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان برخاستند)
رئیس - قابل توجه شد رأی قطعی را بکنند

بعد خواهیم گرفت
 پیشنهاد آقای ملک التجار (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم بعضی کلمه ریاست عالی فرمان دهی کل قوی نوشته شود
 (همه بین نمایندگان)
 ملک التجار بنده استدعا میکنم قبل از اینکه داخل مذاکراتی بشوم آقایان در ضمن بیانات بنده یک تمراضی نکنند اولاً عقاید آزاد است
 بنده این پیشنهاد را کردم و دلم هم میخواهد یک توضیحاتی بدهم بدهم اگر آقایان مخالف بودند ممکن است رأی ندهند یا یک توضیحاتی بدهند ولی بجز این که این پیشنهاد شده دست بزنند و جنجال کنند من از میدان در نمیروم
 مدرس - مادر میرزیم صادر نمیروید ملک التجار - تصور می کنم آقایانیکه باخلاق بنده برخورد داشته باشند که بنده هم توی کلاهیام مدرسشان هستم
 (همه بین نمایندگان)
 یکی از نمایندگان - اینطور نیست
 حاج آقا اسمعیل عراقی - تو همین نکنیده آقا
 ملک التجار - ملی ای حال فرماندهی جزء القاب نباید باشد یعنی باید داخل عمل باشد
 ریاست عالی به عقیده بنده اگر با معضرت تفویض میشد بر مراتب بهتر بود تا اینکه به آقای سردار سیه واگذار بشود چرا که اعلیحضرت در این مدت به هیچ وجه من الوجوه نداخل در نظام بوده اند و نه فرماندهی کرده اند
 شاید هم اطلاعاتی در این باب نداشته باشند
 مقصود بنده این است که چون فرماندهی باید داخل عمل باشد و آقای سردار سیه وزیر جنگند و از ابتدا این کار برشان بوده و این کار برایشان طی کرده اند
 اگر بجای ریاست عالی که جزء مناصب است فرماندهی نوشته شده به عقیده من بهتر است حالا رأی آقایان است
رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - البته عقیده آزاد است و بنابر این آقای ملک التجار اظهار عقیده کردند ولی بنده این اظهار عقیده شان را فقط میتوانم تمیز کنم باینکه نسبت بعقیده سابق خود پیدا کرده اند
 برای اینکه هر چه طرح قانونی که تقدیم مجلس شده است خودشان هم امضاء کرده اند و سه شبانه روز تقریباً بیست و یک نفر از نمایندگان مجموع مجلس مشغول مذاکره و مذاقه بودند
 بعد خواهیم گرفت
 پیشنهاد آقای ملک التجار (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم بعضی کلمه ریاست عالی فرمان دهی کل قوی نوشته شود
 (همه بین نمایندگان)
 ملک التجار بنده استدعا میکنم قبل از اینکه داخل مذاکراتی بشوم آقایان در ضمن بیانات بنده یک تمراضی نکنند اولاً عقاید آزاد است
 بنده این پیشنهاد را کردم و دلم هم میخواهد یک توضیحاتی بدهم بدهم اگر آقایان مخالف بودند ممکن است رأی ندهند یا یک توضیحاتی بدهند ولی بجز این که این پیشنهاد شده دست بزنند و جنجال کنند من از میدان در نمیروم
 مدرس - مادر میرزیم صادر نمیروید ملک التجار - تصور می کنم آقایانیکه باخلاق بنده برخورد داشته باشند که بنده هم توی کلاهیام مدرسشان هستم
 (همه بین نمایندگان)
 یکی از نمایندگان - اینطور نیست
 حاج آقا اسمعیل عراقی - تو همین نکنیده آقا
 ملک التجار - ملی ای حال فرماندهی جزء القاب نباید باشد یعنی باید داخل عمل باشد
 ریاست عالی به عقیده بنده اگر با معضرت تفویض میشد بر مراتب بهتر بود تا اینکه به آقای سردار سیه واگذار بشود چرا که اعلیحضرت در این مدت به هیچ وجه من الوجوه نداخل در نظام بوده اند و نه فرماندهی کرده اند
 شاید هم اطلاعاتی در این باب نداشته باشند
 مقصود بنده این است که چون فرماندهی باید داخل عمل باشد و آقای سردار سیه وزیر جنگند و از ابتدا این کار برشان بوده و این کار برایشان طی کرده اند
 اگر بجای ریاست عالی که جزء مناصب است فرماندهی نوشته شده به عقیده من بهتر است حالا رأی آقایان است
رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - البته عقیده آزاد است و بنابر این آقای ملک التجار اظهار عقیده کردند ولی بنده این اظهار عقیده شان را فقط میتوانم تمیز کنم باینکه نسبت بعقیده سابق خود پیدا کرده اند
 برای اینکه هر چه طرح قانونی که تقدیم مجلس شده است خودشان هم امضاء کرده اند و سه شبانه روز تقریباً بیست و یک نفر از نمایندگان مجموع مجلس مشغول مذاکره و مذاقه بودند

در باب اینکه یک طرز ی و فورمولی اتخاذ شود که موافق باشد با ملاحظات عامه نمایندگان محترم و بالاخره آن فورمولی که بهترین فورمول بوده است اتخاذ شده است و توافق کلیه هم حاصل شده است
 بنابر این تصور میکنم هر کدام از آقایان پیشنهادات دیگری بکنند جز اینکه وقت مجلس تلف بشود فایده ندارد
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
 (کسی قیام نکرد)
رئیس - قابل توجه نشد ماده واحده با اصلاحی که تصویب شد قرائت میشود و رأی قطعی میگیریم
 ماده واحده - مجلس شورای ملی ریاست عالی کل قوای دفاعیه و تأمینیه (امینیه) مملکتی را مخصوص آقای رضاخان سردار سیه دانسته که با اختیارات تامه در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی انجام وظیفه نمایند و سمت مزبور بدون تصویب مجلس شورای ملی از ایشان سلب نتواند شد
رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه موافقند قیام فرمایند
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد لایحه قانونی معینری مطرح است
 آقای مشاعر اعظم (اجازه)
 مشاعر اعظم آن روزی که این قانون مطرح بود بنده در کلیات آن عریاضی عرض کردم و آقایان نمایندگان بواسطه توجه بیک قضایای مهمه از مجلس خارج شدند و تعطیل قطعی پیش آمد و عریاض بنده موقوف ماند
 از مقدماتی که بنده عرض کردم این نتیجه ما خود میشد که مملکت ایران بواسطه اینکه یک مملکت فلاحی است محتاج است باینکه در مسائل رعیتی و فلاحی تسهیلاتی فراهم شود و تشریفاتی در این باب بعمل آید و با توجه بآن لایحه که از کمیسیون قوانین مالبه گذشته همچو بنظر میرسد که در موضوعی که در این لایحه طرح گزافی برای مالباتش منظور شده قابلیت دارد تحت یک مطالعه و دقت دقیق تری در مجلس واقع شود ضمناً بطور توضیح عرض کردم که کارهای رعیتی در اراضی دیم بر مراتب مشکلاتش زیادتر از آن اقداماتی است که در اراضی آبی میشود
 زیرا در اراضی دیم بقدر بظری که افشاندن میشود بایه زمین چهار برابر وسیع تر باشد و همچنین باید دو سه بار شخم زده شود در موقع حصاد مینبایستی آن برزگری که آنها زار و زور میکند دانه دانه بچسبند و چون این قبیل اراضی هم غالباً در کوهپایه واقع میباشد از این جهت محتاج بیک زحمت مقداتی هم میباشد

بنابر این علت اصلی اینکه همیشه ملاکین در اراضی دیمی سهم کمتر گرفته اند تا اراضی آبی برای همین زحمت فوق العاده است و اگر ما میخواهیم سهم امتیازاتی بین این اراضی بگذاریم
 بهتر این بود که در اراضی دیم مقدار مالبات را تخفیف بدهیم و مالبات اراضی آبی را زیادتر کنیم
 نماینده که برعکس عمل کنیم یعنی مالبات اراضی دیم را زیادتر کنیم و مالبات اراضی آبی را کمتر کنیم
 یک نکته مهم دیگری هم که قابل ملاحظه است بر پروژ برض آقایان رساندم و آن این بود که مالباتی که اخذ میشود در فرض که دولت توجهی نداشته باشد باینکه این مالبات از ملاکین گرفته میشود و با محصول ولی نمیشود انکار کرد که ملاکین در ایران نمیتوانند راضی شوند که مالبات را برعهده رعایا بگذارند
 یعنی رعایا یک همچو مسئله را قبول نمیکند زیرا همین عایدات حاضره که کفاف مخارج آنها را نمی نماید چه رسد باینکه مالبات هم از آنها گرفته شود و این مسئله مسلم و مقطوع است و هر قدر هم از این قضیه دفاع شود ولی بیورد است
 ولی بنده عرض میکنم تعیین این نرخ گران برای مالبات هم یک چیز فوق العاده عجیبی بنظر میآید برای اینکه در اراضی آبی تقسیمات بین ارباب و رعیت بر روی اصول تراضی که همیشه در ایران معمول بوده است میباشد یعنی در خمس و نصف و بالاخره سه کوهت ولی در اراضی دیم تقسیمات بین ارباب و رعیت غالباً دو عشر و یک عشر است و از این حد تجاوز ندارد
 اگر چه در قسمت بر و جرد و لرستان یک قدری بیشتر است ولی در سایر نقاط تمام تقسیمات اینطور است یعنی عشر و دو عشر است
 در قسمت گرمسیرات فارس هم بنده تحقیقات کرده ام در آنجا هم شش یک و هفت یک و هشت یک را بنظر آورده ام در صورت اگر ما حساب کنیم می بینیم یک ارباب ملکی که از ملکش یک عشر باید آن میشود باید شش و نیم درصد از آن عایدی را بعنوان مالبات بدهد
 زیرا رعیت تاکنون این مالبات را نمیداده و از این تاریخ بدهم نمیشود بر او تحمیل کرد که مالبات بدهد و اگر یک ارباب ملکی بخواهد متوسل بیک اقدامات شود اگر در سال اول و دوم این عمل را کرد در سال سوم باید از منافع ملک خودش بکلی چشم ببوشد یعنی امور ملکی او بکلی مختل میشود و نمیتواند در آنجا انتظاماتی برقرار کند
 اگر بنا شود از عشر عایدات ملکش و نیم درصد مالبات اخذ شود یعنی از ده خروار شش خروار و نیم بعنوان مالبات بگیرند

آنوقت فقط سه خروار و نیم برای مالک میماند
 بنابر این یک مالکی که این همه زحمت برای ملکش میکند خودش فقط سه خروار و نیم برداشته است و این تقریباً یک ثلث میشود و فی الحقیقه باید صدی هفتاد مالبات بدهد و گمان نمیکنم این قضیه را بشود اجرا کرد چون خیلی باشکالات بر میخورد و صاحبان ملک حاضر نمیشوند و اگر بآنها هم خیلی فشار بیآورند ناچارند املاک خودشان را با اختیار مأمورین دولت بگذارند و بروند
 حالا چیزی که دولت را متوجه کرده است باینکه مالبات اراضی دیم را بیشتر بگیرد و از اراضی آبی کت بگیرد فقط سواست این جزو جمعی مالباتی بوده است که شاید مالبات آن نسبت با اراضی آبی یک قدری زیادتر بوده علت اصلی این بوده است و این موضوع بر اعضای کمیسیون هم مشکوف نشد که در سابق علت و سبب چه بوده است که از اراضی دیم دولت مالبات بیشتر می گرفته است ما هم نتوانستیم بفهمیم که علت همه این قضیه چه بوده است
 ولی بالاخره این فکر بنظر ما رسید که چون خیال کرده اند اراضی دیم آب آن مجانی است
 بنابر این باید یک مالبات بیشتری بدهد ولی قسمتهای دیگر آن را ملاحظه نکردند که چه زحمتی دارد بلی بعضی املاک دیمی هست که محصول آنها زیاد ولی روی هم رفته وقتی حساب کنیم دمی بیستم اراضی دیمی نو حاصلش از اراضی آبی کمتر است
 قسمت دیگری هم که باز باید بآن توجه داشت همان اختلاف تقسیم بین ارباب و رعیت است
 در اراضی دیم بطوریکه عرض کردم تقسیمات دوسه قسم است
 یک با یک عشر یا دو عشر
 حالا در قسمتهای بر و جرد و لرستان بنده تحقیق کرده ام آنجا یک قدری بیشتر معمول است
 ولی در سایر نقاط مختلف این دو قسم مسلم است
 ولی در اراضی آبی اختلاف تقسیم ارباب و رعیت خیلی زیاد است و بعضی از آقایان نمایندگان در این موضوعات اطلاعات کافی تحصیل نموده و یک جدول تهیه کرده اند و این جدول هم رسانده که چند نوع تقسیمات هست و بالاخره مالبات بچه نحو ترقی و تنزل میکنند
 مثلاً در آنجا یک که چهل درصد از ارباب میگیرد و قهنگه با مالبات چهار و نیم در صد

بسیار پیاده و نیم درصد مالیات تحویل برارباب است در آنجا یک ۵۰ درصد یعنی مناصف است مالیات ۹ درصد خواهد شد در آنجا هائیکه ۷۵ درصد است یعنی دو قسمت را مالک میبرد یک قسمت رعیت میبرد.

در آنجا ۶ درصد است و در قسمت های دیگر که از باب ملک ۳۳ درصد میبرد و بقیه مال رعیت است آنجا ۱۴ درصد است و بالاخره اختلاف از ۱۳ درصد تا ۶ درصد است.

حالات بنده برای اینکه اوقات نمایندگان توضیح نشود نمیخواهم یکی یکی توضیحات داده باشم اینها هست و رامین دماوندی هم - اصفهان - کرمانشاه.

در اینجا ما اطلاعاتی که در این جدول تنظیم شده است تقسیمات خیلی اختلاف دارد وضع یک همچو قانونی که در مملکت اینطور تفاوت و اختلاف در تقسیم بین ارباب و رعیت هست بنظر بنده خیلی عجیب می آید که بطور کلی میزان مالیات را یکمقداری بگیریم که این همه تفاوت نسبت برب های مملکت که بهره بردارند داشته باشد.

این مسئله هم باید حتماً در نظر باشد که در وضع این قانون طوری باید رعایت کرد که در هوای دولتی کسی پیدا نشود این مسلم است و تردیدی ندارد و چون عواید دولت که ما بآن احتیاج داریم اگر تنزل کند مشکلات زیاد میشود و نباید تنزل بکند.

اما باید توجه باین هم داشت و خیلی هم مصر نباید بود که عواید دولت حتماً ترقی کند.

اگر تفاوت کرد و زیادتر شدنم - المطلوب ولی اگر تفاوت نکرد زیاد شد باید مترصد بود که کسر هم نکند.

مطابق این حساب در اراضی آبی یعنی چهارونیم درصد مالیات بر اراضی آبی یا عشر از سهم ارباب جدول دیگری تنظیم شده است که وقتی مطابق این جدول هر دو را با هم مقایسه می کنیم می بینیم هشر مالیات از مالک ملک گرفته شود یا اینکه چهارونیم درصد از کل عایدات گرفته شود.

اخذ عشر از سهم ارباب بیشتر میشود از چهار و نیم درصد از کل عایدات و این حساب در اینجا روشن است.

حالا بنده عرض نمایندگان محترم میرسانم . . .

شیر وانی - اینطور که شد یک چیزی هم از دولت طلبکار میشوند.

مشارعظم - در اصفهان تقسیمات ارباب و رعیت سه کورت است یعنی سه سهم است دو قسمت از ارباب یک قسمت رعیت.

شیر وانی - چرا؟

مشارعظم - چون فرمودند چرا توضیح عرض کنم مغایر چرا وقتی که ارباب

ها میدهند در غالب نقاط ایران آن وقت تقسیمات اینطور است ولی وقتیکه رعایا میدهند برعکس است.

مثلاً در قسمت گیلان در آنجا چون پدر و سایر کارها با رعیت است علی الظاهر دو سهم رعیت میبرد یک سهم مالک در اصفهان یا نقاط دیگری که برعکس این است و مغایر بردوش ارباب میماند دو تا ارباب یکی رعیت .

اینها یک اصولی است که مطابق تقسیمات پنجگانه است و خاک و بذر و گاو اینطور در می آید .

حالا اگر بخواهیم اینجا حساب کنیم در اصفهان و همدان مثلاً کسانی که دارای سیصد خور و ارضی باشد.

مطابق این قانون ۲۷ خور خواهد داشت یعنی در شصت خور هر دو جا وقتی که مطابق قانون فعلی از کاش مالیات بگیریم چهارونیم درصد مالیات میشود و هفت خور و .

اما اگر از هشر مالک بگیریم آن وقت ۳۰ خور میشود ۳ خور در آنجا تفاوت میکنند این من باب مثل بود.

حالا از این قبیل خیلی هست مثلاً دو قم در آنجا سه قسمت میشود که قسمت ارباب و یک قسمت رعیت میبرد.

یا در اطراف طهران که از ه تا دو تا مالک میبرد وقتی تمام احساب کنیم چهارونیم درصد بر ارباب کمتر میشود و از اینکه بخواهیم از سهم ارباب بگیریم بدون خرج و این عشر خیلی با صرافت است و مطابق این حساب وقتی که جمع چندین قلم را ما زدیم .

یعنی چهارونیم درصد را با عشر عایدات مالک وقتی که با هم حساب کردیم شد شش هزار و هفتصد و پنجاه و هفت خور و هشر سهم ارباب هفت هزار خور و هشر یعنی آن قسمت هشر اینقدر تجاوز میکند یعنی در هر دو خور و یک خور و هشر اضافه پیدا میشود.

بنابر این وقتی یکصد هزار خور از این دو قلم با هم معادله هم بشود مادر این قسمت چهارده هزار خور و تفاوت خواهم داشت .

ولی بنده انکار نمیکنم که اراضی دیم در ایران زیاد است و همانطور که عرض کردم اینها قسمت ارباب را کمتر میدهند اگر نباشد از حقوق ارباب در دیم بگیریم البته هشر سهم ارباب در دیم بآن میزانی که در اینجا منظور شده است شش و نیم درصد تفاوت کلی خواهد داشت و این شش و نیم درصد نسبت به شش سهم ارباب در دیم خیلی بیشتر خواهد شد.

ولی البته آقایان نمایندگان محترم هرگز تصدیق نخواهند فرموده یا اینکه از اراضی دیم که زحمتش خیلی بیشتر از آبی است یک مالیات باین گزافی گرفته شود

اگر حق و عدالتی در کار باشد میبایستی این قسمت را تنزل بدهیم در صورتیکه این قضیه را بنده می دانم که مالیاتها تحویل بر مالک ملک میشود نه بر رعیت و ممکن نیست رعیت زیر بار برود زیرا تا بحال مالیات نمی داده و حالا هم با زیادی مغایری که دارد مالیات فوق العاده نمیدهد و باین لحاظ نظریاتی بود که قطعاً ترتیب اخذ مالیات تغییر بکند و برود روی سهم ملاکین و از آنها هشر بگیرند بدون اینکه بخواهند خرجی برای آنها برای آنها منظور کنند و در این باب خود کمیسیون هم مذاکرات خیلی کافی شد و در آنجا بنظر رسیده بود که اگر یک طرز مبتدلی با رعایت این مقیاس پیدا کنند بهتر است چون غالباً تقسیمات در ایران پنج یک و سه کورت است.

خود بنده هم یک پیشنهادی کردم در کمیسیون هم فرمودند و بنامندگان محترم قبول فرمودند و آن این بود که عشر از ثلث کل عایدات از مالک بگیرند که در حقیقت صدی ۳ و سه دهم میشد این مسئله قبول هم شد.

ولی در موقع تجدید نظر قضیه تغییر کرد و بصورت دیگری در آمده است و گمان میکنم آن پیشنهاد هم نتواند عملی بشود برای اینکه تغییراتی است و تقسیمات ارباب و رعیت در اراضی دیم و آبی متفاوت است و آن وقت وضع مالیات در یکجا همانطور که عرض کردم در قسمت آبی یا زده و نیم درصد و سیزده و نیم درصد در یکجا صدی شش درصد خواهد بود و با این ترتیب البته هشر عادلانه خواهد بود در قسمت اراضی دیم هم همانطور که توضیحات عرض کردم شش و نیم درصد قابل تحمل است.

زیرا مالیات شش و نیم درصد را هیچ کس نمیتواند تحمل کند و باین جهت اگر ما مطالبه کنیم می بینم که اگر روی همان اصول مالیات را از هشر کل عایدات ملک بگیریم آن وقت هیچ اشکالی نخواهد بود برای اینکه ملاکین عایداتشان مطابق تقسیمات در هر حوزة معین است و مغایری هم برای او منظور نمیداریم که مغایری مقدم است وجه مغایری مقدم نیست و چه ضرورتی هم ندارد.

زیرا هشر عایدات ارباب در ده جا معلوم است و بنده حاضر باین جدولی که در اینجا تنظیم شده است ثابت کنم که عایدات دولت هم در قسمت آبی نهایت ترقی خود را داشت نسبت باین ترتیب حاضر ولی در قسمت دیمی تغییر البته صدی شش و نیم از کل عایدات با عشر عایدات ملک ارباب تفاوت دارد و قابل تحمل هم نیست ولی آن هشر قابل تحمل است و چون اگر بخواهیم یک نرخ متساوی برای همه جا قرار بدهیم آن را تصدیق نماینده بهتر این است که

ما هشر از کل عایدات ارباب که امروز یک اصولی دارد بگیریم و عشر عایدات بر ارباب زیادتر خواهد بود از این میزانی که حالا دولت در نظر گرفته .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

حاج میرزا عبدالوهاب - کافی نیست اجازه میفرمائید!

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده آن روز هم عرض کردم امروز هم عرض میکنم مخالفین این لایحه یک چیزهایی فکر کرده اند که باستی آنها را بگویند **شیر وانی** - در مواد بگویند **حاج میرزا عبدالوهاب** - در مواد هم میگویند مذاکرات کافی است و بالاخره حکمیت این کار با مجلس است و بنده معتقدم که آقایان هر یک عقاید خود را کاملاً بگویند و این صحبت هایی که آقای مشار اعظم فرمودند که بعضی آنها را بنده دینم بدینست و البته همانطور که عرض کردم بهتر این است که موافق و مخالف عقاید خودشان را کامل بگویند بدینکفایت مذاکرات رای گرفته شود.

رئیس - درای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

رئیس - معلوم میشود کافی نیست . چند دقیقه تنفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چون عده کافی نیست اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم بقیه مذاکرات میانهم برای فردا .

آقاسید یعقوب - بنده چند کلمه عرض داشتم .

رئیس - عده کافی نیست (ده دقیقه قبل از ظهر مجلس ختم شد)

رئیس - مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال المالک منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۳۷

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و ششم برج دلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و یکم رجب ۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای همام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

(حورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا جوادخان

فایز رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم

فایز رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقاسید حسن اجاق - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

فایز رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

فایز رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟

سر دار محقق - بنده عرض دارم

فایز رئیس - بفرمائید

سر دار محقق - بنده و آقای آقا شیخ محمد علی نماینده محترم قزوین را فایز بی اجازه نوشته اند در صورتی که هر دو ما حضوراً از آقای رئیس اجازه گرفتیم و علت را هم بحضور آقای رئیس عرض کردیم که در مذاکره چیست .

فایز رئیس - از کمیسیون تحقیق می شود بد اصلاح خواهد شد

آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده هم قبل از دستور عرض ندارم .

فایز رئیس - صورت مجلس دیگر مخالفی ندارد

(گفته شد)

فایز رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

چون آقای وزیر فوائده نامه برای جواب سئوالات حاضر شده اند اگر مجلس اجازه میدهد ابتدا سئوالات بشود

بعضی از نمایندگان - بعد از مذاکرات قبل از دستور

فایز رئیس - بسیار خوب

آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - متأسفانه در آخر جلسه اکثریت باقی نماندند که شور در قوانین که تمام سئوالات از وزیر در مجلس شورای ملی بشود

بنده در برج میزان و سینه از وزارت مالیه سئوالاتی کردم حاضر نشده اند برای جواب مخصوصاً راجع بتوائل زرفان سؤالی کرده بودم که نماینده وزارت مالیه جوابی دادند بعد که تحقیق کردم معلوم شد که همچو چیزی نبوده است همین طور راجع بیعضی مالیاتهایی که در فارس شده می شود بهراج گذاردند در صورتی که هیچ جای دنیا اینطور نبوده است که مالیات و لایات را بهراج بگذارند مثل قصبه اردکان و اطراف

استدعا دارم از طرف مقام ریاست تذکر داده شود که از طرف وزارت مالیه برای جواب حاضر شوند .

یک سؤالی هم از وزارت فوائده عامه کرده بودم راجع بلوله کشی بیچاره خانه و تشکر میکنم که آقای وزیر فوائده عامه تشریف آورده اند که جواب بدهند و هم چنین از وزارت خارجه هم سؤالی کرده ام .

در جواب مینویسند که باید سؤالی کتبی باشد .

بنده هر چه در نظام نامه مجلس نگاه کردم ندیدم نوشته باشد که باید سؤالی کتبی باشد .

در جواب بنده از وزارت خارجه نوشته اند که مجدداً توضیح دوم مرتبه بنویسند بنده که استیضاح نمیخواهم بکنم میخواهم سؤالی کنم البته وزراء باید حاضر شوند از شان سؤالی شود اگر جواب حاضرند از وزارت خانه که مراجعت کردند بدوسیه نگاه میکنند بعد جواب میدهند .

بنده از مجلس تقاضا دارم این ترتیب را که سؤالی کتبی فرستاده شود مثل کمیسیون عرض ارسال و مراسلات درست موقوف فرمایند .

وکیل سؤالی میکند وزیر هم میبرد در وزارتخانه اش بدوسیه مراجعه میکنند بعد میآید جواب میدهد .

یک سؤال هم از وزارت عدلیه کرده ام ما زحمت کشیدیم و از مقام محترم ریاست وزراء و وزارت مالیه تقاضا کردیم و بنا شد چهل هزار تومان بدهند بعد لایه هائی که منحل شده بعد که تحقیق کردیم عدلیه هائی که منحل شده اند بحال انحلال باقی میباشند و مستخدمین بیچاره وزارت عدلیه حقوقشان نرسیده .

اینها دردهائی است که مجلس باید دوا کند .

آقایان وزراء بگردن باید بیایند و ما دردهائی را بگوئیم حالا که دوا میشود نشود این بود عرض بنده .

فایز رئیس - آقای اجاق .

آقاسید حسن اجاق - بنده نمیخواهم وقت مجلس را خیلی تلف کنم همین قدر میخواهم تذکراً عرض کنم ضحیه اعضاء و اجزاء ادارات را همه دیده و شنیده اند فریب پنج شش ماه حقوق بآنها نرسیده اعضاء ادارات و لایات را که از مرگ می فرستند یک حقوقهای قلبی برای آنها همین میکنند که آنها مشغول خدمت شوند و از این اشخاص هم صحت عمل میخواهند .

مخصوصاً کافه های شکایتی بولکلا و چا کر رسیده که فریب هشت نهماء حقوق اعضاء و اجزاء عدلیه ها نرسیده همچنین حقوق اعضاء وزارت داخله .

میخواستم خدمت آقایان عرض کنم و تذکری بدهم که تبیض خوب نیست که حقوق اعضاء مالیه را بدهند و حقوق سایر

وزارتخانه ها داده نشود .

در اول سال نظر باینکه مخارج بسا عایدات مطابقه نیگردد میبائی از بودجه های وزارتخانه ها تقلیل کردند آقایان میسوفند که باغلب وزارتخانه ها شش ماه حقوق داده نشده است .

یک نفر مأمور با حقوق خیلی کم در ولایات غریب البته نمیتواند زندگی کند و ناچار است قرض نماید .

قرض هم چقدر میدهند؟ و باین ترتیب آبروی دولت و دوائی دولتی در ولایات می رود .

این است که خواستم تذکر بدهم خوب است ترتیبی بشاید که حقوقهای مردم برسد که مردم از این سختی ها خلاصی یابند این بود عرض بنده .

فایز رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اوضاع اصاف آرمالیه و وزارت مالیه و فزارها در زحمانی که بسکنه ایران وارد میآید و بانواع و اقسام تحمیلات بر مردم میشود بدرجه ایست که تصور می کنند تمام آقایان مسبوق باشند و محتاج به توضیح نباشد .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

چندی قبل صورت حکمی از وزارت مالیه بیک نفر از مأمورین مالیات ایالات نوشته شده و باو دستوری که داده بودند بنده دیدم امین مالیه مینویسند که شما هر قدر بولی که بمنوان تفاوت عمل تحصیل کنید صدویست معجانا و بلاهوش به شما داده خواهد شد .

شیر وانی - صدویست و پنج .

تدین - و آقایان تصدیق میفرمائید این تفاوت عمل امروز تفاوت عملی که چند سال قبل مصطلح بود نیست مقصود این است تو که امین مالیه باینشکار مالیه هستی بهرام یارسم تحمیلاتی بر مردم بکنی و اضافه عایدات پیدا کنی هر قدر پیدا کردی صدیست آن مال تو .

حالا قطع نظر از اینکه این حکم بر خلاف قانون است البته آثارش پیدا است آن وقت هرامین مالیه که از این راه بیشتر عایدات پیدا کند در دوسیه خدمتش اوراق تمجید و تحسین و تقدیر هم گذاشته می شود

علاوه بر این یک مسئله که حقیقتاً بنده را بزحمت انداخته است و تصور میکنم سایر رفقار هم بزحمت بیندازد طرز است که رئیس کل مالیه از شش هفت ماه قبل در راپرت های خودش اتخاذ کرده است

رئیس کل مالیه رفته رفته وارد می شود در بیان اعتراضات مجلس و بدولت و به کمیسیون بودجه و بالاخره بهر کس که یک کلمه حرف بزند بگوید

آقا بقید من این پیش نهادی که شما کرده اید صحیح نیست فوراً حربه تهمت از قزوین تهمت ها بکله اش کوبیده می شود .

در فلان روزنامه شرحی نوشته می شود فوراً میگویند پول میخواهد که تنقید میکند .

اگر وکیل تنقید کند فوراً بگویند مطالبه طلبش را کرده است

چون مانده ایم به این جهت تنقید کرده است و اگر حقیقتاً این باب مفتوح شود بعد از این دیگر هیچ کس قادر نیست که در این مجلس تنقید یا اعتراض نسبت به لوائح ایشان بکند بجهت اینکه خواهند گفت فلان کس میخواست مالیات نهد به این جهت تنقید کرد از آن طرف رئیس کل مالیه فقط نباید در حدود عملیات خودش اقدام کند و نباید وارد در این جریانات بشود .

و بالاخره تولید حب و بندش هائی بکند .

یک قسمت مهم از این راپرت حرف اتهام - تهمت - حمله - سوء چینی گری شده است بنده حالا به آنها کاری ندارم چون یک قسمت آن مستقیماً راجع بکمیسیون بودجه است

بنده دفاع میکنم . قسمت های دیگری که راجع بمجلس و دولت است خودش میداند و بنده در عین اینکه موافق با دولت هستم راضی نیستم که طرف حمله و تعرض بی جا و بی فاعله کسی واقع شود و همین طرد تصور میکنم آقایان نمایندگان هم این عقیده را داشته باشند

این جا در این کتاب مینویسد : هر گاه کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی آشنائی با اصول تدوین بودجه می داشت قطع دارم برای پیش نهادهای مالیاتهای جدید در بودجه نسبت سهو تاخیر را به اینجناب نمی داد

میگوید کمیسیون بودجه بی اطلاع هستند از کیفیت نوشتن بودجه یعنی مردمان جاهلی هستند که آن جا جمع شده و معنی این عبارت در حقیقت همین است والا بنده کار ندارم اشخاصی که در کمیسیون بودجه از قبیل آقای مشیرالدوله هستند سالهای سال در این مملکت مشغول کار بوده اند و بعضی از آقایان دیگر که در وزارت مالیه بودند و اطلاعات مالیه شان زیاد است باین مقصود از این حرف چیست؟ بنده عرض میکنم نویسنده این راپرت اطلاعاتش نسبت به در بیان ایران از شاگرد کلاس شش ابتدائی کمتر است تاچرا رسد به اعضاء کمیسیون بودجه .

فکر زیادی که کرد گفت مادر این باب فکری نکردیم یک نظامنامه مینویسی و

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۸۷۹

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

را اخذ میکند
ممکن است بنده هم از وزارت مالیه
سؤال کنم و جواب آقا بدهم
ولی ایشان اگر میخواهند از مجرای
رسمی تحقیق بفرمایند باید از وزارت مالیه
سؤال کنند.

نایب رئیس - آقای طهراني
(اجازه)

آقای شیخ محمدعلی طهراني
بنده سؤالی ندارم.

نایب رئیس - آقای مقوم الملک
(اجازه)

مقوم الملک - از قراری که بنده
شنیده ام شخص موسوم بخوشتار یا اشجار
چنگلهای مازندران و گیلان را قطع کرده
و بی برد

آیا همچو چیزی هست یا نه و علت این
که چنگلها را قطع می کنند می برد و بزرگ
هم گذارده نشد چیست؟

وزیر فواید عامه ببنده اطلاع نرسیده
است که اشجار مازندران و گیلان را خوشتر
نامی میبرد و میبرد و چون اطلاع بنده
نرسیده است

لذا نمیتوان تصدیق کنم و چون در
عین حال اشاره کردند بجزایزه لازمست
عرض کنم

نظر به اینکه در این باب هم يك مكاتبات
و جریاناتی بوده است.

لذا لازم میدانم که مطلب را در این
جا توضیح بدهم
اولا اساساً باید در باب چنگلها چند
کلمه در این جا گفته شود

چنگل یکی از ترانسهای مهم مملکتی
است و به همین جهت است که در هر مملکتی
اگر چنگل کم داشته باشند حتی الامکان
سعی می کنند که چنگلها را زیاد کنند و مبادرت

به این عمل نه تنها از لحاظ فواید
چنگلی زیاد شود بلکه در اوضاع فلاحی
در آب و هوای ممالک هم فوق العاده تاثیر

دارد و در همان حال باید نسبت به چنگلها
هم يك اصولی اتخاذ کرد که خارج از آن
اصول بودن تغییرات آنها ضراست.

یعنی همانطور که قطع اشجار چنگلی
بدون مطالعه و بدون مراعات اصول علمی
مضرات همینطور هم منع قطع اشجار
چنگلی هم ممکن است مضر باشد.

زیرا درخت تاسن معینی قابل استفاده
های صنعتی است و همین که از آن مرحله
طبیعی گذشت دیگر قابل استفاده صنعتی
نیست.

فقط آنوقت است که چنگل با چوب
باشد و همزمان و ذغال باین ملاحظه است که
در سایر ممالک چون قوانین مرتب برای
چنگلها دارند قطع اشجار چنگل های
خودشان را موکول به آن قانون می-
کنند.

باین معنی که چنگلها را تقسیم

میکند مرصمتهای معینی و با در نظر گرفتن
سن هر قسم درخت و م.تی که برای رشد
درخت لازم است چنگل را طوری قطع
میکند که اگر بانتهای چنگل رسید آن
قسمتی که در سال اول شروع قطع کردن
کرده اند باز دوم تری رسیده باشد بآن حد
طبیعی و بن نور رسیده باشد.

مقوم الملک - در این باب چنگلها
بنابر این در قطع چنگلها باید همیشه
این ترتیب مراعات کرد و به همین جهت است
که اگر جلو گیری بشود از قطع چنگلی
که باید قطع شود برای مملکت مضراست
زیرا در تحت تاثیر همین اصل بوده
است که اصطلاحاً در ولایات شمالی ما می-
گویند زمین را آباد کنید.

یعنی چنگلها را قطع کنید تا مبدل
بزمین های زراعتی بشود.

چرا؟
برای این که اشخاصی که صاحب چنگل
بوده اند آن استفاده ای که از زراعت می-
کرده اند قهراً از چنگل تکیه کرده اند و از
این لحاظ ترجیح میداده اند که زمین چنگل
ها را تبدیل بزمین زراعتی نکنند.

ولی این ترتیب بدست و دولت باید
مالکین چنگلها را از ذبیح و ذبیح بکنند
در حفظ و حراست چنگل های خودشان و
این کار حکما مخصوصاً در ایران باید
شود.

زیرا ما هنوز مستحق چنگل و گارد
فرستین نداریم و خود آقا هم میدانند و باین
جهت دولت عملاً قادر نخواهد بود که حفظ
و حراست چنگلها را در صورتی که مالکین
چنگل نبرند بکنند.

اساساً يك اصل کلی را باید در نظر
گرفت و آن این است که چنگلها را باید
قسمت تقسیم کرد.

چنگل دولتی و چنگل شخصی و
اربابی.

در چنگل های دولتی مثل هر مالکی
خود حق دارد که وقتی که قطع چنگل را
لازم میدانند بجزایزه بهر ترتیبی که دلش
میخواهد بفرشد و اجازه بدهد بیا بدهد.

اما وقتی که در چنگل های خصوصی
و شخصی معامله میشود.

استفاده دولت از لحاظ حفاظت
چنگلها باید باشد و حق نظارت دارد
یعنی دولت اگر بتواند با ایجاد وسائلی از
قطع اشجار چنگل در غیر موقع جلوگیری
بکند حق دارد.

ولی در معاملات خصوصی گمان نمیکنم
حق مزایده و دخالت داشته باشد و در
چنگل های خصوصی مزایده اصلاً مورد
ندارد.

این دو مطلب باید از هم تفکیک شود
و به علاوه با تمام این تفصیلات مخصوصاً قطع
درختهای چنگلی و حمل آن بخارج منوط
باجازه مخصوصی است و تا وقتی اجازه

مخصوص صادر نشود بدون اجازه هیچکس
حق ندارد چنگل را قطع کند.
و به همین جهت اینغیری که با قارسیده
مشر بر اینکه چنگل های مازندران و
گیلان را قطع میکنند و میبرند گمان نمی-
کنم زیاد مقرون بصحت باشد.

مقوم الملک - در این باب چنگلها
شده است مابین چنگل و بیشه.
چنگل اساساً متعلق دولت است و اشخاص
دارای بیشه هستند.

مقوم الملک - چنگل عبارت از
اشجاری است که در جاهای بلا مالک برودگار
عالم آنها را رویانیده است و آن متعلق به
دولت است.

ولی بیشه عبارت از اشجاری است که با
وست اشخاص غرس شده باشد به علاوه در
قباله اشخاص هم باید قید و مصرح شده
باشد که چنگل هم هست و چنگل ممکن
است در حدود ملک اشخاص باشد و اگر
اشخاصی بخواهند بوسیله کافندهای جعلی
چنگلها را ببرند و قطع کنند از طرف دولت
باید جلو گیری شود.

خود آقای وزیر فواید عامه حالا
فرمودند که اگر از هر پنج تا چوبی که زیر
راه آن است یکی را بخواهیم موض کنیم
سبعصد هزار تومان خرج دارد.

هر چیز دولت را بخواهد ببرد باید از او
جلو گیری کرد.
ولی در صورتی که اشخاص اسناد
معتبر در دست داشته باشند و مسلم شده
باشد که مثلاً فلان ملک ملک آقای سردار
متمند است در گیلان.

وقتی که این قضیه مسلم شد آنوقت
ایشان در ملک خودشان اگر چنگلی داشته
باشند میتوانند آنرا بفرشند.

مگر خدای نخواسته ایشان تجاوز
کرده باشند باید جلو ایشان گرفت و
نگذاشت که ایشان از حدود خودشان تجاوز
کنند و این مسئله البته معل کلام
نیست.

نایب رئیس - آقای مصدق السلطنه
(اجازه)

مصدق السلطنه - بنده میخواستم
در باب چنگلها يك سؤالی از آقای وزیر
فوائد عامه بکنم اما امروز میل نداختم ولی
چون قبلاً يك سؤالی شد در جواب آقای
مقوم الملک نماینده محترم هم جواب دادند
لذا بنده هم امروز سؤال خود را میکنم
اگر هم جوابی بنده نمی دهند باشد برای روز
دیگر.

اطلاعاتی که بنده دارم رسمی است و
بوجوب نوشجتانی است که در دوسیه خودشان
هم موجود است.

این که فرمودند که از قطع اشجار
چنگلی اطلاعی ندارم گمان میکنم دوسیه
امر غیر از این باشد.

حالا بنده دوسیه را عیناً قرائت می
کنم آنوقت اگر ایشان خواستند جواب
بنده را امروز بدهند اگر هم نتوانستند
بدهد.

ارلا از هیئت وزراء بموجب ۱۲۱۴
مورخه ۲ قوس تصویب نامه صادر شده است
که قطع کلیه اشجار ممنوع است مگر به
تصویب هیئت وزراء و این تصویب نامه کاملاً
بر اصلاح مملکت است بجهت این که
هنوز چنگل های دولتی اگر هم قابل بشویم
باین اصل که چنگلها هم مال دولت است هم
مال اشخاص متفرقه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

بنده در این باب خیال میکردم اشتباهی
بشود زیرا این قضیه اساسی و مسلم است.
حالا ممکن است اسم چنگل های
دولتی را چنگل بگذارند و اسم چنگل های
مردم را بیشه.

کرده بشن بخص بدیم قطع کنند و بخارج
ببرند.
حالا خواه مال دولت باشد و خواه
مال اشخاص و از این نقطه نظر این تصویب نامه که
گمان میکنم در کابینه آقای سردار سپه
هم تصویب شده است خیلی مفید است
حالا بنده این تصویب نامه را میخوانم
وزارت فلاحه و تجارت و
فوائد عامه.

هیئت وزراء در جلسه ۲۸ عقرب
شنگوزیل ۱۳۰۲ بر حسب پیشنهاد وزارت
فلاحه و تجارت و فوائد عامه نظر بلزوم
حفظ اشجار صنعتی و ذی قیمت چنگلهای
سواحل بحر خزر تصویب نمود که بیش
از مقدار دویست هزار بوط چوب شمشادی
که در هندالسه بموجب تصویب نامه مخصوص
اجازه صدور بخارج داده شده است هیچ
گونه اجازه دیگری برای قطع و حمل اشجار
صنعتی داده نشود و مادام که قانون
مخصوص برای حفظ و نگاهداری محصول
چنگلی وضع نشده است قطع اشجار
صنعتی و صدور آن بخارج اکیداً ممنوع
و مأمورین سرحدی موظف با اجرای این
تصمیم هستند.

تصویب نامه در کابینه هیئت وزراء
بمذخوشتر یا مورخه ۲۵ قوس ۱۳۰۳
يك شرحی مینویسد بوزارت فوائد عامه که
آنرا میخوانم.
مقام منبع وزارت فلاحه و تجارت و
فلاحه و فوائد عامه دامت شوکت چون
مقداری از اشجار چنگلی را که اینجانب از
مالکین طوالش گیلان برای قطع خریداری
نموده فعلاً محض فروش لازم شده است
قطع نمایم لذا باینجا توفیر و احترام معنی
است قدغن فرمایند که بر طبق اصول
صوملی اجازه قطع پنج هزار درخت بلوط
و ده هزار درخت دیگر را در این
چنگلها برای اینجانب صادر فرمایند
سواد نوشجتان اشجار ایتیمی از
آقایان سردار امجد و بهجت الدوله و روح
الله خان و سپه هدایت و خورده مالکین
امضاء خوشتر یا ۱۰ بعد وزارت فوائد عامه
در جواب امرالسه خوشتر یا در تحت نمره ۲۷۲۸
شرحی مینویسد که آن را هم قرائت
میکنم:

مسئو خوشتر یا مرسله مورخه ۲۵
قوس شامضمین ۹۶ فقره سواد (ملاحظه
فرمایند در اینجا نوشته ۹۶ فقره سواد که
معلوم نیست این اشخاص بموجب چه باینجانب
چنگلها را مال خود میدانند و معلوم نیست
که واقداً این اشخاص مجهولند یا معلوم
این ۹۶ فقره مال کیهان است مینویسد:
مرسله شما متضمن ۹۶ فقره سواد
دائر پذیر است اجازه قطع پنج هزار اصله
درخت بلوط و ده هزار اصله سایر درختها
ملاحظه شد با حفظ نظر به خود نسبت بقرار

دادهائی که در موضوع خرید چنگلها در
طوالش منعقد نموده آید
(و بنده حالا نمیدانم این نظریات
چيست البته يك مسئله است) باشرا اطفال
میدهند که پنج هزار اصله درخت بلوط
و ده هزار اصله سایر درختهای غیر صنعتی از چنگلهای
طوالش که موضوع قرارداد های شماست
قطع نمایند.
اولاً مبلغ دو هزار تومان بابت اجازه
قطع از قرار درخت بلوط دو قران و
سایر درختهای غیر صنعتی يك قران بدر
نقط يك هزار تومانی بخرانه دولت کار سازی
داشته و رسید دریافت دارید.

نقط اول در موقع صدور این اجازه
تقسیم دوم در موقع شروع بقطع پرداخته
شواهد شد.
ثانیاً بجای هر درخت که قطع میشود
پنج اصله درخت بلوط یا درخت دیگر صنعتی
که دولت تعیین نماید باید کاشته شود.
مجموع درخت هائی که قطع خواهید
کرد یا نوزده هزار اصله و حداقل درخت هائی
که خواهید کاشت هفتاد و پنج هزار اصله
خواهد بود.

ثالثاً هر گاه از تعداد هفتاد و پنج
هزار اصله درخت کمتر کاشته باشد از قرار
هر درختی يك قران دولت دریافت خواهد
کرد.

رابعاً دولت برای عملیات فوق يك
نفر مأمور تعیین خواهد کرد حقوق مشاوره
از قرار ماهی پنجاه تومان بر هر هده شخص
شما است که مرتباً کار سازی دارید.
خامساً هر گونه مقررات و نظامات
و قوانین دولتی راجع به چنگلها که بأمور
دولت دستور داده و یا بعد وضع خواهد شد
بموقع اجرا خواهد گذاشت.
آقای وزیر فوائد عامه هم امضاء
کرده اند.

حالا اسناد دیگری هست که مفصل
است و وقت مجلس را میگیرد و اساساً عرض
بنده این بود که حقیقتاً تا قانونی برای
چنگلها وضع نشده است و تشخیص و
تفکیک بین چنگل های دولتی و اربابی به
عمل نیامده است عقیده بنده این است که
اصولاً چنگلها مال دولت است ولی اگر يك
کسی آمد بویا يك اسناد محکمی ثابت کرد
که در فلان نقطه نسبت بیک چنگلی
حق دارد آن يك امریست علیحده و البته
ممکن است در مملکت مالک خاصی هم
برای چنگل باشد و دولت هم چنگل
مالک را ضبط نمیکند ولی اصولاً چنگل
مال دولت است و تا زمانی که معلوم نیست
چنگل مال مالک است اجازه قطعش از نقطه
نظر حفظ مملکت و از نقطه نظر حفظ
چنگلها برخلاف مصالح مملکت است و
بموجب تصویب نامه که از طرف ریاست
وزراء صادر شده است وزارت فوائد عامه

تصویب نامه در کابینه هیئت وزراء
بمذخوشتر یا مورخه ۲۵ قوس ۱۳۰۳
يك شرحی مینویسد بوزارت فوائد عامه که
آنرا میخوانم.
مقام منبع وزارت فلاحه و تجارت و
فلاحه و فوائد عامه دامت شوکت چون
مقداری از اشجار چنگلی را که اینجانب از
مالکین طوالش گیلان برای قطع خریداری
نموده فعلاً محض فروش لازم شده است
قطع نمایم لذا باینجا توفیر و احترام معنی
است قدغن فرمایند که بر طبق اصول
صوملی اجازه قطع پنج هزار درخت بلوط
و ده هزار درخت دیگر را در این
چنگلها برای اینجانب صادر فرمایند
سواد نوشجتان اشجار ایتیمی از
آقایان سردار امجد و بهجت الدوله و روح
الله خان و سپه هدایت و خورده مالکین
امضاء خوشتر یا ۱۰ بعد وزارت فوائد عامه
در جواب امرالسه خوشتر یا در تحت نمره ۲۷۲۸
شرحی مینویسد که آن را هم قرائت
میکنم:

مسئو خوشتر یا مرسله مورخه ۲۵
قوس شامضمین ۹۶ فقره سواد (ملاحظه
فرمایند در اینجا نوشته ۹۶ فقره سواد که
معلوم نیست این اشخاص بموجب چه باینجانب
چنگلها را مال خود میدانند و معلوم نیست
که واقداً این اشخاص مجهولند یا معلوم
این ۹۶ فقره مال کیهان است مینویسد:
مرسله شما متضمن ۹۶ فقره سواد
دائر پذیر است اجازه قطع پنج هزار اصله
درخت بلوط و ده هزار اصله سایر درختها
ملاحظه شد با حفظ نظر به خود نسبت بقرار

دادهائی که در موضوع خرید چنگلها در
طوالش منعقد نموده آید
(و بنده حالا نمیدانم این نظریات
چيست البته يك مسئله است) باشرا اطفال
میدهند که پنج هزار اصله درخت بلوط
و ده هزار اصله سایر درختهای غیر صنعتی از چنگلهای
طوالش که موضوع قرارداد های شماست
قطع نمایند.
اولاً مبلغ دو هزار تومان بابت اجازه
قطع از قرار درخت بلوط دو قران و
سایر درختهای غیر صنعتی يك قران بدر
نقط يك هزار تومانی بخرانه دولت کار سازی
داشته و رسید دریافت دارید.

نقط اول در موقع صدور این اجازه
تقسیم دوم در موقع شروع بقطع پرداخته
شواهد شد.
ثانیاً بجای هر درخت که قطع میشود
پنج اصله درخت بلوط یا درخت دیگر صنعتی
که دولت تعیین نماید باید کاشته شود.
مجموع درخت هائی که قطع خواهید
کرد یا نوزده هزار اصله و حداقل درخت هائی
که خواهید کاشت هفتاد و پنج هزار اصله
خواهد بود.

ثالثاً هر گاه از تعداد هفتاد و پنج
هزار اصله درخت کمتر کاشته باشد از قرار
هر درختی يك قران دولت دریافت خواهد
کرد.

رابعاً دولت برای عملیات فوق يك
نفر مأمور تعیین خواهد کرد حقوق مشاوره
از قرار ماهی پنجاه تومان بر هر هده شخص
شما است که مرتباً کار سازی دارید.
خامساً هر گونه مقررات و نظامات
و قوانین دولتی راجع به چنگلها که بأمور
دولت دستور داده و یا بعد وضع خواهد شد
بموقع اجرا خواهد گذاشت.
آقای وزیر فوائد عامه هم امضاء
کرده اند.

حالا اسناد دیگری هست که مفصل
است و وقت مجلس را میگیرد و اساساً عرض
بنده این بود که حقیقتاً تا قانونی برای
چنگلها وضع نشده است و تشخیص و
تفکیک بین چنگل های دولتی و اربابی به
عمل نیامده است عقیده بنده این است که
اصولاً چنگلها مال دولت است ولی اگر يك
کسی آمد بویا يك اسناد محکمی ثابت کرد
که در فلان نقطه نسبت بیک چنگلی
حق دارد آن يك امریست علیحده و البته
ممکن است در مملکت مالک خاصی هم
برای چنگل باشد و دولت هم چنگل
مالک را ضبط نمیکند ولی اصولاً چنگل
مال دولت است و تا زمانی که معلوم نیست
چنگل مال مالک است اجازه قطعش از نقطه
نظر حفظ مملکت و از نقطه نظر حفظ
چنگلها برخلاف مصالح مملکت است و
بموجب تصویب نامه که از طرف ریاست
وزراء صادر شده است وزارت فوائد عامه

تصویب نامه در کابینه هیئت وزراء
بمذخوشتر یا مورخه ۲۵ قوس ۱۳۰۳
يك شرحی مینویسد بوزارت فوائد عامه که
آنرا میخوانم.
مقام منبع وزارت فلاحه و تجارت و
فلاحه و فوائد عامه دامت شوکت چون
مقداری از اشجار چنگلی را که اینجانب از
مالکین طوالش گیلان برای قطع خریداری
نموده فعلاً محض فروش لازم شده است
قطع نمایم لذا باینجا توفیر و احترام معنی
است قدغن فرمایند که بر طبق اصول
صوملی اجازه قطع پنج هزار درخت بلوط
و ده هزار درخت دیگر را در این
چنگلها برای اینجانب صادر فرمایند
سواد نوشجتان اشجار ایتیمی از
آقایان سردار امجد و بهجت الدوله و روح
الله خان و سپه هدایت و خورده مالکین
امضاء خوشتر یا ۱۰ بعد وزارت فوائد عامه
در جواب امرالسه خوشتر یا در تحت نمره ۲۷۲۸
شرحی مینویسد که آن را هم قرائت
میکنم:

مسئو خوشتر یا مرسله مورخه ۲۵
قوس شامضمین ۹۶ فقره سواد (ملاحظه
فرمایند در اینجا نوشته ۹۶ فقره سواد که
معلوم نیست این اشخاص بموجب چه باینجانب
چنگلها را مال خود میدانند و معلوم نیست
که واقداً این اشخاص مجهولند یا معلوم
این ۹۶ فقره مال کیهان است مینویسد:
مرسله شما متضمن ۹۶ فقره سواد
دائر پذیر است اجازه قطع پنج هزار اصله
درخت بلوط و ده هزار اصله سایر درختها
ملاحظه شد با حفظ نظر به خود نسبت بقرار

تصویب هیئت وزراء و این مسئله هم در
خود وزارت فوائد عامه سابقه دارد که هر
وقت خواستند راجع بقطع اشجار چنگلها
کاری بکنند باید آن اشجار را بزرگ
بگذارند و قانون محاسبات عمومی هم
در این معامله نقض شده است.
این عقیده بنده بود حالا اگر جوابی
دارند امروز بفرمایند و اگر ندارند بمانند
برای بعد.
وزیر فوائد عامه - جواب را بنده
امروز خواهم داد. اولاً به منظور که آقای
مصدق السلطنه خودشان پشت تریبون
خواندند این تصویب نامه هست
و معتبر است ولی در قسمت اینکه این
تصویب نامه چه چیز است و راجع بچيست
شاید ما اختلاف نظر داشته باشیم
ممکن است بنده استدعا کنم تصویب نامه
را بنده مرحمت کنید؟
مصدق السلطنه - خیر ممکن
نیست.

وزیر فواید عامه - ممکن نیست؟
بسیار خوب مرحمت شما زیاد
چون اگر بآقای آخر تصویب
نامه مراجعه کنید خواهید دید که این
تصویب نامه راجع بصور چیست نه راجع
بقطع می گوید.

قطع و صدور و اگر راجع بصور
نمی بود مأمورین سرحدی را مأمور اجرای
این تصویب نامه بکنند.
این تصویب مربوط باین است که
اگر کسی بخواد چوبهای چنگل های ایران
را اعم از مال شخصی یا دولتی ببرد و به
خارج حمل نماید ممنوع است
ولی در يك مملکتی که در چنگل
مازندران شباهت وقتی که گوسفند برانند
کار می زنند بدرختها برای اینکه در موقع
مراجعت خشک شده باشد که بوزارت
باید با اجازه مخصوص هیئت وزراء باشد
و این امر را در مراحل و مدارج قانونی خودش را
سیر کند و هر گاه یکی از این مراحل را طی
نکرده باشد مسلماً آن معامله از درجه اعتبار
ساقط است.

اما اگر بعد از طی کردن تمام مراحل
ثابت بشود و در مملکت ما هم مثل
سایر جا های دنیا تفکیک بشود بین چنگل
های شخصی و دولتی آن وقت خود آقا
هم باید تصدیق بفرمایند که معاملات در
چنگل های دولتی باید بموجب ماده ۲۳ قانون
محاسبات عمومی بطریق مزایده باشد ولی
در چنگل های شخصی دیگر مازم رعایت
چنگل است.

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

اینکه چنگل چیزی است که وجودش برای
مملکتافع است.
چنگل را هر مملکتی باید در خودش
زیاد کند و باید حتی الامکان از کشتن آن
جلو گیری بنماید.
از طرف دیگر بنده نمیدانم آیا این
اصل معزز است یا نه.
چون مافانوز در باب چنگلها نداریم
که این تکلیف را قطعاً مین کرده باشد
و هر چه ما اینجا بگوئیم نظری است و من
نمیدانم آیا این اصل مسلم است که تمام
چنگلها مال دولت است یا نه.
جمعی از نمایندگان - خبر مال
دولت نیست.

وزیر فواید عامه - و به علاوه
حکایت و نظرات این مسئله هم امروز از وظیفه
بنده و افراد خارج است زیرا که بنده نمیتوانم
این مسئله را امروز حل کنم و بگویم حتی
چنگلها مال دولت است مال دولت بشود یا
بگویم مال دولت نیست مال دولت نشود
و باید يك قانونی در باب چنگلها تهیه شود
و بعد به حدود مشخص معلوم کنند که چه چنگل
هائی مال دولت است و چه چنگلهائی مال
شخصی است.

ممکن است مجلس شورای ملی و سایر
مقامات مقننه تصمیم بگیرند که تمام چنگلها
مملکتی مال دولت است.
آقای سید یعقوب - ابدأ
وزیر فواید عامه - اجازه بدهید
فرض معال که در دنیا معال نیست شاید
در موقعی که بیکه چو قانونی آمد بمجلس
و خواستند در آن مذاکره و مباحثه کنید
ممکن است بعضی از آقایان بکنوع عقیده
داشته باشند و عده دیگری طرز دیگر و بنده
هم بیک عقیده بگری داشته باشد ولی اساساً
باید یکی از این دو عقیده پیشرفت کند یا
بگویند تمام چنگلها مال دولت است در این
صورت هر نوع معامله که در چنگل های
دولتی بعمل بیاید باید با اصول مزایده باشد
و باید با اجازه مخصوص هیئت وزراء باشد
بالاخره تمام مراحل و مدارج قانونی خودش را
سیر کند و هر گاه یکی از این مراحل را طی
نکرده باشد مسلماً آن معامله از درجه اعتبار
ساقط است.

اما اگر بعد از طی کردن تمام مراحل
ثابت بشود و در مملکت ما هم مثل
سایر جا های دنیا تفکیک بشود بین چنگل
های شخصی و دولتی آن وقت خود آقا
هم باید تصدیق بفرمایند که معاملات در
چنگل های دولتی باید بموجب ماده ۲۳ قانون
محاسبات عمومی بطریق مزایده باشد ولی
در چنگل های شخصی دیگر مازم رعایت
چنگل است.

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت
در هر دو قسم آنها نظارت دارد چرا؟ برای

بنده امروز تغییراتی نمیتوانم اظهار
و این اصل معزز مسلم است اعم از اینکه
شخصی باشد یا مال دولت باشد در هر صورت

جنگل در این مملکت هست مال دولت نیست . ممکن است جنگل مال دولت باشد و ممکن است مال مردم باشد . اما اینکه فرمودند بنده گه نام (با حفظ نظریه خود) آن نظریه چه بوده است ؟ این بوده است که قبل از صدور این مراسم (بنده) ندانم آقا چرا از آن کسی که این اسناد را خدمتشان تقدیم کرده است سابقه مفصل ترین کار را نخواستند (یس از آنکه اطلاع یافتیم که در طول این جنگل قرارداد و ممالاتی راجع جنگلها می شود نوشتیم با مورین گیلازو و هینکلور بوزارت خانه های مختلف نوشتیم که به ما مورین خودشان خاطر نشان بیایند که هر نوع معامله بصوب دولت بشود از درجه اعتبار ساقط است . ما این را صراحتاً نوشتیم و اخطار کردیم و مقصود از این نظریه سابقه هارت از همان نشناختن کلبه ممالاتی است که بدین تصویب دولت بعمل آمده است . یس در این صورت بنده خیال میکنم از این نقطه نظر اشکال و اعتراض آقا وارد نیست . و اگر یک کسی بیاید درختهایی از اشخاص متفرقه بخرد و برای صدور بخارجه هم نباشد که مشمول این تصویب نامه شود و برای استعمال داخلی باشد و مقید کنند او را که در مقابل هر درختی که از مردم خریده است یکمده درخت غرس نماید و بالاخره اگر مقدار درختی که قطع میشود بطورزی غیر قابل اهمیت باشد که صدمه جنگل نرساند خیال میکنم این اعتراض متوجه نباشد .

مصدق السلطنه بنده از آقای وزیر فوائد عامه متشکرم که جواب مرحمت فرمودند . ولی بطور اختصار عرض میکنم که نامه مربوطه بطورج از سرحد نیست و اگر تصویب نامه مربوطه بطورج از سرحد بود بوزارت مالیه مینوشتنند که وزارت مالیه به نام ممبر دولت دستور بدهد و این تصویب نامه خطاب بوزارت فوائد عامه و فلاح و تجارت است و مربوط به آن وزارت خانه است و به علاوه دولت در خود تصویب نامه اش تصریح کرده است که مادام که قانون مخصوص برای حفظ و نگاهداری محصول مواد جنگلی وضع نشده است قطع اشجار صنعتی و صدها در آن بخارجه اکتفا نمود (است) یس هم قطع و هم صدور را ممنوع کرده است و برای قطع بوزارت فوائد عامه نوشته اند از این نقطه نظر بوده است که در موقع صدور از گمرک باید با اجازه وزارت فوائد عامه باشد اما این که راجع بنزایه فرمودند که اگر در ترفه گمرکی معین شده است آن حق اخذ می شود

مینویسد این است که بنده قرائت می کنم : مینویسد : مقام منیع وزارت جلیله تجارت و فلاح و فوائد عامت شو کنته . چون مقداری از اشجار جنگلی را که اینجناب از مالکین طوالتش کیلان برای قطع خریداری نمودم فعلا معض فروش لازم شده است قطع نمایم . لذا با نهایت توفیر و احترام متمنی است قدغن فرمائید که بر طبق اصول عمومی اجازه قطع هزار درخت بلوط و ده هزار درخت دیگر را در این جنگلها برای اینجناب صادر فرمائید . و خودشان هم معین کرده اند که درخت بلوط صنعتی است و سایر درختها غیر صنعتی است . بنابراین گمان میکنم که برخلاف این تصویب نامه عمل شده است و بعد راجع بنزایه فرمودند . در مزایده هم بنده عقیده ام این است که اشخاصی که میخواهند چیزهایی بخارجه حمل کنند اگر در ترفه گمرکی برای صدور از مملکت یک ترفه ثابتی باشد البته فرق میکند هر کس یک چیزی را بخواهد از داخل بخارجه حمل نماید البته میتواند . ولی حال بنده این درست نظر نیست که در ترفه گمرکی نسبت باین درخت های صنعتی یک چیز معینی هست یا نه . اگر در ترفه گمرکی هست البته هر وقت بخواهند بخارجه حمل نمایند آن را میبرند . ولی اگر نیست باید بنزایه بگذارند زیرا شاید اشخاصی باشند که بیش از آن مبلغ بدهند . وزیر فوائد عامه دلیلی را که آقای مصدق السلطنه اقامه فرمودند که چون مطلب ابلاغ به صدور از سرحد بود بوزارت مالیه مینوشتنند کافی نبود و برای تکمیل اطلاع ایشان مجبورم عرض کنم که در ۱۲۹۸ بین وزارت فوائد عامه و وزارت مالیه قراردادی منعقد شده است که وزارت مالیه بر طبق آن قرارداد اجازه صدور از گمرک را هم موقوف بوزارت فوائد عامه نموده اند و در ۱۳۰۲ بموجب مراسلاتی که مابین وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه مبادله شده است همین اجازه ثانیا تصویب شده است پس هلت اینکه این کاغذ را بوزارت فوائد عامه نوشته اند از این نقطه نظر بوده است که در موقع صدور از گمرک باید با اجازه وزارت فوائد عامه باشد اما این که راجع بنزایه فرمودند که اگر در ترفه گمرکی معین شده است آن حق اخذ می شود

و اگر حقی معین نشده است باید بنزایه گذاشته شود . بنده خیال میکنم که مابین مزایده و ترفه گمرکی یک رابطه موجود نباشد قطع نظر از اینکه چیزی بخارجه حمل بشود (بنده که قضیه و مطلب را وسیع تر گرفتم و گفتم قطع نظر از اینکه یک موادی بخارجه حمل بشود و با در داخله مصرف شود اگر مال دولت است باید بطریق مزایده باشد زیرا ممکن است یک کسی بیک مبلغ بیشتری بخرد . و همین جهت که ماده ۲۴ قانون مجاسبات عمومی فروش مسائل را موقوف بنزایه میکند و در خریدن بمنافعه و این مربوط بودن یا نبودن حقوق گمرکی یا معین شدن حقوق گمرکی برای صدور یک چیزی بخارجه نیست و این تصویب نامه از نقطه نظر صدور بخارجه است و از نقطه نظر تعیین حقوق گمرکی و عدم تعیین آن نیست و چون در آن باب زیاد توضیح دادم دیگر نپنخواهم تکرار کنم ولی در هر حال اجازه صدور بخارجه داده نشده است .

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - اولاً بنده خیلی معنون و متشکرم از آقای وزیر فوائد عامه که قبل از اینکه سابقه و اطلاع از سؤال من داشته شند حاضر شده اند برای جواب سؤال بنده که راجع به راه شیراز است الی بوشهر و آقای آقا سید یعقوب هم در آن باب اظهاری فرمودند . لیکن چون بنده گمان میکنم اطلاع نامت در این موضوع بیشتر باشد و البته عیب و ضرری هم ندارد اگر بنده اطلاع نامت از وزارت فوائد عامه نظر به اینکه محسوساتی دارم بیشتر باشد دولت همیشه اوقات متوجه بوده است که ایجاد راه های شوسه مسطحی بکند و تنها وسیله بیکه امروز برای ترقی اقتصادیات ما ممکن است تهیه تسهیل عبور و مرور و همین راههاست و اتفاقاً راه از بوشهر تا شیراز هم یکی از راههای بسیار سخت و مهم است که از قتل جبال بیطون اودیبه که جا های بسیار سخت و صعب العبوری است آن هارا تسهیل کردند و در این راه برای ما هم فواید بسیار است و در اثر یک اتفاقاتی یک خسارات فوق العاده که بر اهالی فارس وارد آمده این راه برای آنها تهیه شده و حالا دارا از این میروند و البته باستی تمام ساعی بجهت حفظ و نگاهداری این راه مینویسد و حتی اگر دولت بخواهد این راه را نگاهدارد و از هیچ راه هم عایدی نداشته باشد باستی از مالیات عمومی خرج کند و این راه را نگاهدارد

ولی بنده این اندازه هم متوقع نیستم بنده متوقعم همان پولیکه از این محل عاید می شود بجهت نگاهداری خودش خرج شود و اضافه اش را مزید بر عواید دولت کنند بنده مطابق اطلاعی که دارم مالیات کم تر از صد هزار بار از بوشهر وارد شیراز نمی شود . . . **آقا سید یعقوب** - بیشتر است . **کازرونی** - بنده سعی میکنم که از افرای دور باشم . بموجب اطلاعی که دارم سالی صد هزار بار وارد شیراز میشود ولی اطلاع نامت در این موضوع که میخواهم عرض کنم خیلی کافی نیست . آنچه میگویند باری تفران از بوشهر تا شیراز از چهار بار گذرفته میشود . اگر این طور است ممکن است در سال نود هزار تومان عاید دولت بشود و برای خرج این نود هزار تومان دهمین منتهی ده یک کافی است و از روی این تعیین ممکن است سالی هشتاد هزار تومان عایدی داشته باشد . کمتر باشد پنجاه هزار تومان . در هر صورت از این پنجاه هزار تومان اگر سالی پانزده هزار یا بیست هزار تومان صرف نگاهداری راه میشد این راه کاملاً نگاهداری میشد و سال هم توسعه پیدا میکرد . ولی متأسفانه این اطلاع کامل است که یکدینار در این راه خرج نشده است و بدینجهت بواسطه حادثه و اتفاقاتی که اخیراً پیش آمده یعنی در اثر باران زیاد و سیل عظیمی که آمده است بکلی خراب شده است و اگر اندک مسامحه بشود بنده قول قطعی میدهم که با دوستان هزار تومان هم دولت نمیتواند این راه را تعمیر نماید این راه برای ما یک میلیون تومان قیمت دارد و این یک کاریست که دولت باید همیشه در نظر داشته باشد که این راه را تعمیر کند . حالا فرمودند پنج هزار تومان خیال داریم در دو سه سته آتی برای تعمیر این راه اعتبار بیتی کنیم . بنده عرض میکنم لازم نیست در این بودجه پیش بینی کنند از همان پولی که از این راه میگیرند خرج تعمیر آن بکنند و به علاوه پولهایی را هم که فرمودند پول ها نیست و یک پول است که آن را یک نفر خیر شیرازی در والکی اهدات نموده است که این پول را هم اگر امروز بخواهند درست کنند صد هزار تومان کمتر خرج ندارد و یک مقدار از این پول خراب شده که فرمودند یا نه صد تومان برای تعمیرش باید صرف شود و بنده تعیین دارم که این مبلغ به چه وجه کافی نیست . زیرا این پول یکی از پولهای بسیار مهم

است . این بود که خواستم از وزارت فوائد عامه بعنوان سؤال استعلام کنم که یک مبلغ توجه مخصوصی در این باب بفرمائید و از عواید همان راه یعنی از همان عوایدی که برای دولت داشته خرج تعمیرات لازم این راه بکنند و این راه را برای فارسها بکنند برای تمام اهالی ایران نگاهداری نمایند زیرا اگر بیش از این طول بکشد بنده یقین دارم که بکلی از بین خواهد رفت و بلکه بدتر از روز اول تعمیرش خواهد شد . **وزیر فوائد عامه** - بنده متأسفم از اینکه نمیتوانم این فرمایش را این درخواست و خواهش آقای کازرونی را بپذیرم که از عواید خود راه یک مبلغی را تخصیص بدهند و تعمیر این راه را اگر ما این اصل را قائل بشویم و بگوئیم هر مصلی که خودش یک عائدی دارد یک مبلغی از آن عایدات برای مغارج خود آن محل تخصیص شود و آنوقت یک اصل کلی از تفرقات عایدات است از بین می رود ممکن است معلی میلیونها عایدی بدهد ولی بالاخره یا صد تومان ادم نتواند برای خود آن محل خرج کند بنده عقیده خودم و نظریه خودم را در باب باج راهها مگر در مجلس عرض کردم که بعقیده بنده یکی از مسائلی که برای تجارت و ترقی و اقتصادی مملکت است و مانع پیشرفت این مقصود است باج های موجوده در راهها است و هر وقت که دولت ایران از نقطه نظر استقنائی از باج راهها بتواند این باجها را موقوف کند آن روز یک خدمت شایان و بزرگی بر ترقی اقتصادی و تجارتی مملکت کرده اما در همان حال فراموش نکنید که عوایدی که از همین راه خیلی مهم که بنده خودم هم با اهمیت آن بی برده ام و کاملاً هم تصدیق می کنم بدست می آید جزو عواید عمومی مملکت می شود و ما هم که نمی دانیم چه مبلغ از عایدات مال این راه است ما همین قدر می دانیم که مملکت ما بیست و سه میلیون و کسری تومان عایدات دارد و از این مبلغ هم یک مقداری برای مغارج راهها تصویب می شود و خرجی هم که برای طرق و شوارع تصویب شده است همین است حال یک اتفاقات آسمانی پیش آمده است و این راه را خراب کرده است و همان طوری که عرض کردم پنج هزار تومان برای تعمیر این راه بر آورده شد و این اعتبار را باید در سته ۱۳۰۴ بدست آورد و ساخت . **کازرونی** - عوایدی که مخصوصاً از راه شیراز تا بوشهر حاصل می شود جزو عواید عمومی دولت نبوده است یک راههایی با یک حوادثی بجای خون بهای عده زیادی ساخته شده است و حالا بنده عرض میکنم این راه مال دولت

است . مهم تصدیق میکنم اما آقای دولت نگاهش بدار و استفاده هم بکنم بفرمائید عوایدش جزو عواید عمومی شده است متأسفانه بنده عرض میکنم اگر تعمیرش بفرمائید و نگاه ندارید دیگر فوایدی ندارد که دولت از آن استفاده نماید لاقلاً دولت از همین عواید خودش یک مبلغی خرجش کند و این راه شوسه را که دارد تعمیرش کند و اینهم منافات با هر کزیت دادن به عواید مملکتی ندارد **نایب رئیس** - چون عده کافی برای مذاکره نیست تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) **نایب رئیس** - شورد در کلیات قانون میزنی مطرح است . (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) **نایب رئیس** - شورد در کلیات قانون میزنی مطرح است . (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) **نایب رئیس** - شورد در کلیات قانون میزنی مطرح است . (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) **نایب رئیس** - شورد در کلیات قانون میزنی مطرح است . (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

بنده نمی گویم حتماً این قانون یک قانون مانزل الله است و در او نمی شود حرف زد . البته باید حرف زد و در هر ماده پیش نهادت باید بشود و بالاخره آن حسی که در بنده و دیگران هست بقول آقای ندین اگر شهوت کلامی در بین نیست ممکن است پیشنهاد بفرمائید و در طی پیشنهاد عقاید خودشان را بفرمائید نه اینکه حتماً در کلیات اینقدر حرف بزیم تا اینکه این قانون بپیروند بکلی از بین برود . بنده خودم یکی از طرفداران کلیات مذاکرات بودم . ولی چون آقایان کافی ندانند حالا از موقع خودم استفاده میکنم فرض میکنم این قانون یک قانون بدی است . یا از نقطه نظر منافع یک دسته خوب است و از نقطه نظر منافع یک دسته دیگری بد است . بالاخره آن چیزی که در مجلس حکم فرماید و قاطعیت دارد رای اکثریت مجلس است . پیشنهادات می شود اکثریت مجلس هم صالح است که بگوید این پیشنهادت صحیح است و باید مثلاً این ماده را تغییر داد والا ما اینقدر این قانون را معطل کنیم و در اطراف آن صحبت کنیم گمان میکنم این در خارج یک اثرات خوبی نداشته باشد ما میخواهیم مضار و منافع این قانون را در اول بسنجیم بعد به بحثیم که اساساً رد کردن این قانون با وضعیت این مملکت نافع تر است یا باقی ماندن بنده عقیده ام این است که در رد کردن این قانون اگر هم خود مخالفین اقرار کنند که مضار است برای اینکه ممکن است از این وضعیت فعلی و مالیات گذاری فعلی در ایران بنده استفاده کنم . و چون صد سال است میزنی شده و دهات بنده ممکن است اتفاقاً هیچ مالیات نداشته باشد . بنده بجزئی میتوانم بگویم که یک ثلث املاک این مملکت مالیات نمی دهند البته آن شخصی که املاک و اراضی دارد و مالیات نمی دهد علاقه مند است که این قانون نگذرد . ولی یک کسی که مالیاتش زیاد است و سنگین است با این وضعیت مالیات گیری که می بیند آن شخص البته مایل است بگذشتن در این قانون و البته آقایان اگر بیوفایی شان را بفرمائید ما هم میخواهیم سنجش کنیم این قانون را و نمی گوئیم حتماً این قانون بدون کلمه کم و زیاد بگذرد . اگر تغییر یا تبدیلی موادش پیدا کند موافقین با گذشتن این قانون چون

نظری ندارند و مقصودشان این است . میزنی شود و عوامند حرفی زد بنده عرض میکنم اگر چنانچه یک قانون ناقصی هم از مجلس بگذرد بهتر است تا اینکه در مملکت میزنی نشود برای اینکه اولاً مراجعه می کنیم بفرمایشات آقای تدین که در اول جلسه فرمودند . بنده تقریباً یکی از جهات عمده این وضعیت را ندانم یک طرز متعادل شکلی مالیات گیری میدانم و الا ممکن نیست وزارت مالیه بتواند یک همچو اعلامی بدوایر خودش بدهد که هر امین مالیه که صد تومان پول برای دولت پیدا کرد بست و پنج تومانش را بخود بول پیدا کنند بدهند . این را چگونه میشود ؟ برای اینکه که قانون در مملکت نیست و چون یک اصول منظم و متحدالشکلی نیست بکنفر امین مالیه در شیراز میگوید در زمان کریم خان زند معمول بوده که از دول دوز مالیات میگرفته اند و تا مردم آنجا می آیند بوکلای محترم فارس بنویسند و جواب بکنند یک عده از مردم بزرگ دست و پای ما مورین له میشوند . پس عجالتاً اگر از نقطه نظر بعضی اشخاص بد است وضع این قانون از نقطه نظر بعضی اشخاص دیگر خوبست بنده در همین روزهایی که قانون میزنی مطرح بود این کاغذ را از وزارت مالیه دریافت کرده رعایای یکی از بلوگات اصفهان یک شکایاتی کرده اند که میزنی باید بشود و شاید خدمت سایر آقایان هم این شکایات رسیده باشد بر خوار اصفهان یک جایی است که تصور میکنم اگر هم میزنی بشود آن اندازه هائیتیراتی پیدا نکنند برای اینکه مالیه اصفهان نسبت ببقایای دیگر بهتر است . با این حال رفته اند مطابق بولد و ماغ خودشان یک دهاتی را میزنی کرده اند بدون تصویب مجلس شورای ملی و بعنوان اینکه مالیاتشان کم است آن جاها را میزنی میکنند . این هم کاغذ رسمی یا مضای آقای ذکاء الملک پیش بنده است مینویسد ثانیاً وزارت مالیه عواید املاک کم مالیات را (خودش عقیده اش این شده است که کم مالیات است) ولی مالیات را بر آورده نموده عشر عایدات خالص را بعنوان مالیات دریافت میکنند . در صورتیکه مالک به میزنی اولیه اعتراض داشته باشد در حدود مقررات اداری مجاز می باشد که تقاضای تجدید نظر نماید . با این ترتیب تصور نمیرود که اقدام خلاف قانونی در این موضوع شده باشد . میزنی مطابق نص قانون اساسی از حقوق خاصه مجلس شورای ملی است و وزارت مالیه دارد این حق را از ماسلب میکند .

نظری ندارند و مقصودشان این است . میزنی شود و عوامند حرفی زد بنده عرض میکنم اگر چنانچه یک قانون ناقصی هم از مجلس بگذرد بهتر است تا اینکه در مملکت میزنی نشود برای اینکه اولاً مراجعه می کنیم بفرمایشات آقای تدین که در اول جلسه فرمودند . بنده تقریباً یکی از جهات عمده این وضعیت را ندانم یک طرز متعادل شکلی مالیات گیری میدانم و الا ممکن نیست وزارت مالیه بتواند یک همچو اعلامی بدوایر خودش بدهد که هر امین مالیه که صد تومان پول برای دولت پیدا کرد بست و پنج تومانش را بخود بول پیدا کنند بدهند . این را چگونه میشود ؟ برای اینکه که قانون در مملکت نیست و چون یک اصول منظم و متحدالشکلی نیست بکنفر امین مالیه در شیراز میگوید در زمان کریم خان زند معمول بوده که از دول دوز مالیات میگرفته اند و تا مردم آنجا می آیند بوکلای محترم فارس بنویسند و جواب بکنند یک عده از مردم بزرگ دست و پای ما مورین له میشوند . پس عجالتاً اگر از نقطه نظر بعضی اشخاص بد است وضع این قانون از نقطه نظر بعضی اشخاص دیگر خوبست بنده در همین روزهایی که قانون میزنی مطرح بود این کاغذ را از وزارت مالیه دریافت کرده رعایای یکی از بلوگات اصفهان یک شکایاتی کرده اند که میزنی باید بشود و شاید خدمت سایر آقایان هم این شکایات رسیده باشد بر خوار اصفهان یک جایی است که تصور میکنم اگر هم میزنی بشود آن اندازه هائیتیراتی پیدا نکنند برای اینکه مالیه اصفهان نسبت ببقایای دیگر بهتر است . با این حال رفته اند مطابق بولد و ماغ خودشان یک دهاتی را میزنی کرده اند بدون تصویب مجلس شورای ملی و بعنوان اینکه مالیاتشان کم است آن جاها را میزنی میکنند . این هم کاغذ رسمی یا مضای آقای ذکاء الملک پیش بنده است مینویسد ثانیاً وزارت مالیه عواید املاک کم مالیات را (خودش عقیده اش این شده است که کم مالیات است) ولی مالیات را بر آورده نموده عشر عایدات خالص را بعنوان مالیات دریافت میکنند . در صورتیکه مالک به میزنی اولیه اعتراض داشته باشد در حدود مقررات اداری مجاز می باشد که تقاضای تجدید نظر نماید . با این ترتیب تصور نمیرود که اقدام خلاف قانونی در این موضوع شده باشد . میزنی مطابق نص قانون اساسی از حقوق خاصه مجلس شورای ملی است و وزارت مالیه دارد این حق را از ماسلب میکند .

خودش رفته هر کجاش میخواهد میزبانی میکند.

حرفش هم این است که میگوید یک قانونی بدست ما میدهد نامطابق آن قانون رفتار نکنیم.

این هم یک حرفی است.

ولی قبل از این که ما قانون باری بهیم در هر صورت احوق ندارد میزبانی کند و هر چه میکند خلاف قانون است.

پس هر چه زودتر لازم است ما این قانون را بگذرانیم که این اشکال برطرف شود.

یکی دیگر مسئله تعذبات امانه ماله است که اگر ما رجوع کنیم بکسیون مراضی صدی هشتاد از شکایاتی که به کمیسیون میرسد از وزارت ماله است و صدی بیست از سایر وزارتخانهها و دوائر دولتی است و علتش هم این است که یک ترتیب در ویه صحیحی در اخذ مالیات نیست و هر طور دلشان خواسته رفتار کرده اند بالاخره آخر سال هر یک بودجه چهار دیواری آورده اند پیش ما بلا پیش نوشته بیست و چهار میلیون فایده میگویند اگر هم تصویب نکند ادارات همه میخواهند مجلس هم مجبور است تصویب کند.

برای این که آخر سال است فایده ندارد.

وزیر هم صراحتاً بامشود و میگوید اگر هم تصویب نکنند اثری ندارد ما گرفته ایم و در آخر سال بودجه را میآورد و تصویب میسراند.

آنوقت میگوید مجلس رای داده باین بودجه و ما میتوانیم این مالیات را بگیریم چون مجلس رای داده است.

پس اگر مایک مالیات متداول شکلی داشته باشیم که تمام مملکت یک جور مالیات بدهد هیچ امین ماله نمی توانند این تمسبی را بکنند.

چون همین است هر فردی که دارای هر چند جریب زمین است روی این اصلی که شما تصویب میکنید فلان مبلغ در سال باید بدهد و باین شخص آنوقت نمیتواند یک شاهی تمسبی کند.

الان در اصفهان ما دوازده سال است دوازده هزار تومان اختلاف بین مالکین و وزارت ماله در مالیات هست.

هر وقت وزیر ماله زور پیدا کرده و از آمریکا قوه برای خودش آورده از مردم بزور گرفته و هر وقت مردم زور داشته باشند هیچ.

اگر چنانچه این قانون بگذرد و یک نواخت از همه مردم در این مملکت مالیات میدهند و بعضی جاها هیچ نمیدهند و در ضمن تصویب این قانون آن عایدات هم برای دولت پیدا میشود و در عوض یک جاهائی که مالیاتش زیاد است کم می دهند.

یک جهت دیگر که لازم است باین قانون را تصویب کنیم.

این است که بقیه بنده مالیات در ایران کم است.

حالا ممکن است این جا عقاید مختلف باشد بنده عقیده ام این است مالیات در ایران اگر عادلانه گرفته شود سه برابر حالیه دولت ممکن است عایدی داشته باشد و مردم هم بهتر شانه زیر بار این مالیات ها میدهند و دولت مملکت از این اندازه زیاد می شود و این سؤالاتی هم که از دولت ها می شود برای تمدنی انشای ماله همه از بین میرود و کارها هم بدون سؤال انجام می گیرد.

راه آهن جلفا درست میشود.

راه شیراز هم تعمیر می شود.

آقاسید محیی الدین میرزوندلی زیاد می شود.

شیروانی خیر میز و صنعتی زیاد می شود برای این که وقتی میزان مالیات در مملکت معلوم باشد در قمشه که فلان قدر مالیات دارد دیگر بازده صنعتی نمیخواهد یک نفر می رود آن جا پانزده هزار تومان مالیاتش است فصل میکند مردم هم می آیند خودشان مالیات را میدهند.

این صنعتیها که هست برای اختلافات است که فلان شخص میگوید ماله مالیات من این قدر نیست فلان کس میگوید ماله مالیات من چقدر است و باید این چند نفر رسیدگی کنند.

ولی وقتی که مالیات یک نواخت و متحد شد این صنعتیها کم می شود و شاید در جاهای دیگر که برای مملکت مافایده دارد یک صنعتی هائی گذارده شود و در هر حال بنده گمان میکنم این قانون برای مملکت نافع باشد.

بنابر این این امری است که از تأخیر تصویب این قانون تولید خواهد شد و امامان قمشه این جا آقای وکیل الملک (بنده یک یادداشتی کرده ام اگر چه درست فرمایشات ایشان در نظر من نیست ولی همین قدر میدانم که در مذاکرات خودشان یک صحبتی از رعایا و زارعین کردند و خیلی هم طرفداری از آنها کردند که نباید آنها مالیات بدهند.

بنده در این قانون ملاحظه میکنم می بینم که اولاً این عنوان ندارد که از رعایا مالیات گرفته شود.

اما اگر میفرمایند بطور کلی نوشته از زمین صدی چهارونیم بگیرند؟

در مالیاتی که بر اراضی و آب تحویل می شود.

بعقبه بنده از عشر کمتر نباید گرفت منتهی این جا عقاید مختلف است بعضی میگویند مالیات را از عایدات باید گرفت بعضی میگویند از زمین بنده موافقت میکنم

با آقایانی که میگویند از عایدات باید گرفت.

و این که میگویند این سبب خواهد شد که دولت برای هر ده یک دقتی باز کند و مطابق آن دفتر بر عایدات مالیات وضع کند اینطور نیست منتهی بنده میگویم مالک با زمینش هر معامله دلش خواهد بکند تقسیماتی که بین زارعین و مالکین هست هر چه میخواهد باشد.

مادری هر هفته صدی پنجاه و پنج خرج برای بدست آوردن محصول از آب و خاک میجزا میکنم و از صدی چهل و پنج که باقی مانده و عایدی است از او مالیات میگیریم.

کازرونی کم است.

شیروانی آقای کازرونی در خارج هم میفرمودند کم است و باید از همین گرفت.

ولی چون می بینم گذرانند این صدی چهارونیم هم در این مجلس شاید قدری بایش لنگ باشد این است که بچه اردو تیم قناعت میکنیم و بطور کلی باید گفت برای عمل آوردن محصول در مملکت ایران صدی پنجاه و پنج خرج و بذور و کاه و تعلق میبرد و از این قبیل چیزهایی که در اصطلاحات زراعتی معمول است و صدی چهل و پنج که عایدی خالص است باید از آن مالیات گرفت.

وکیل الملک همه جا صدی چهل و پنج میمالکین نرسد.

شیروانی میفرمایند همه جا این طور نیست و در تقسیم بین مالک و رعیت اختلاف باید فلسفه این اختلاف را فایده دید.

بیخودی که نیست.

فلسفه این اختلاف را آقایان فرمودند یکی دو فقره آن را هم بنده عرض میکنم در این جا صحبت شد که اصفهان از این طریق میزبانی استفاده میکنند برای این که ارباب دو سهم میرد و رعیت یکی اینطور نیست و اولاً در تمام اصفهان این طریق تقسیم معمول نیست و در بعضی جا این طور است و در آنجا هائیکه هم این طور است.

کارهای زراعتی را ارباب متحمل می شود.

رعیت فقط مزد دست رنج خودش را میگیرد و در سایر جاها شاید اینطور نباشد که بتوان دست رنج رعیت را بگیرد و در اغلب جاها نمیتوان دست رنج رعیت بر عیت میدهند و در اصفهان چون بعضی مغارجاتی جزئی هم متوجه رعیت است از این جهت یک تفریق رعیت داده می شود و دولت ارباب میرد.

و اگر در تقسیمات یک اختلافاتی هست در آنجا دولت نمیتواند دخالت کند فلسفه اش این است که یک جا خرج را ارباب میدهند

یک چاره رعیت میدهند.

آنجا یک مفرمانند رعیت چهار تا ببرد ارباب و یکی برای این است که علاوه بر مغارج مالیات را هم رعیت بدست دارد است.

اگر آقایان اجازه بدهند بنده هم چون موافقم که برای معاملات بین ارباب و رعیت یک قانونی نوشته شود.

(همه بین نمایندگان)

شیروانی خوب اگر آقایان میل ندارند که دخالت در تقسیمات آنها بشود و مالک هر چه میخواهد توی رعیت بزند پس چرا؟

(همه بین نمایندگان)

شیروانی بنده عقیده ام این است دولت حق مداخله دارد.

بعضی از نمایندگان حق ندارند.

شیروانی بنده هم تصدیق می کنم دولت مادولت اسلامی است.

پس اگر میخواهید این حق را از دولت سلب کنید چرا این حق را میخواهید سلب کنید که بیاید.

حساب کنید که رعیت چقدر باید بیرون ارباب بیاید.

بنابر این هیچ جا دولت حق ندارد مداخله کند بنابر این این جا جوش رعیت زدن فایده ندارد و بنده با همان فرمایش آقای مشارعظم موافقم که اگر چندین برابر هم شامالیات وضع کنید رعیت مالیات نمیدهد.

البته باید ارباب رعیت را راضی کند و سهم او را بدهد که بتواند زراعت کند و از او نگاهداری کند پس رعیت مالیات بده نیست.

اینجا می بینم یک نظر موافق و یک نظر مخالف است و آقایان مخالفین حساب کرده اند که در کجای بضرر مالک تمام میشود و در کجا بمنتفع مالک.

بنده چون این حساب را نکردم که این قانون مثلاً در جنوب بمنتفع مالک تمام میشود و در شمال بضرر مالک با در شرق چه میشود و در غرب چه میشود لهذا این است که موافقم باین قانون چون حساب نکردم و دولت هم نظرش این نبوده.

فقط دولت خواسته است از معصومی که از زمین بیرون میآید صدی چهارونیم بگیرد و بقیه را مطابق میل آقای رضوی بگذارد بعهد خود مالک و رعیت که هر چه دلش میخواهد مالک باز عبت بکند و به همین دلیل است که کمیسیون هم قائل شده از زمین گرفته شود و دیده است اگر بخواهد داخل اختلافات بین ارباب و رعیت شود ممکن نیست و بالاخره بعقبه بنده اگر دولت بخواهد پس از وضع مغارج ارباب مالک از او مالیات مطالبه کند یک مبلغی هم مالک از دولت طلب کار میشود.

در اینجا آقای مشارعظم فرمودند

که مالکین خدمت باین مملکت میکنند و شرحی از فضائل مالکین بیان فرمودند.

بنده تصور نمیکنم کسی مخالف باین عقیده باشد و بنده مخصوصاً خود یکی از اشخاصی هستم که باین مسئله متقدم زیرا این مملکت چیز دیگری ندارد غیر از آب و زمین آنهم بدست مالکین است و یک صادراتی برای این مملکت تهیه میکنند ولی این مربوط باین نیست که چون مالکین آدمهای خوبی هستند مالیات کم بدهند.

مالکین در عین اینکه آدمهای خوبی هستند بنده هم خیلی ارادت خدمتشان دارم و باید مطابق فایده که میرسد مالیات هم زیادتر بدهند.

یک حسابی آقای وکیل الملک فرمودند که بنده هم آن حساب را یاد داشت کرده ام.

فرمودند پنج میلیون و کسری مالیات مستقیم است و بعضی چیزها هم از موضوع کردند بنده فرمودند یک میلیون و ششصد هزار تومان مالیات ارضی در ایران گرفته میشود و این یک میلیون و ششصد هزار تومان را فرمودند چون مالیات خیلی کم است اگر ماخذ مالیات را باینجا بیآوریم یعنی عشر از عایدات را بگیریم از این مبلغ بیشتر خواهد شد اینطور فرمودند.

بنده خیلی مسرور شدم که آن روز مسبق شدم در این مملکت از سرحد جلفا تا پوشر و از شرق تا غرب از صاحبان اراضی فقط یک میلیون و هشتصد هزار تومان مالیات میگیرند و بقیه مالیاتها را باید اشخاص دیگر بدهند و بنده چون عادت ندارم می سنک و نجبر را بسینه بزنم عرض میکنم سایر افراد این مملکت بیست و دو میلیون مالیات و مطابق فرمایش آقای وکیل الملک یک میلیون و هشتصد هزار تومان صاحبان اراضی مالیات می پردازند و بعقبه بنده وقتی قانون میزبانی عمل بشود این مقایسه بهم خواهد خورد و مالیات اراضی در ایران پنج برابر حالیه خواهد شد.

بنده خود اینطور تصور میکنم اما راجع بدین فرمودند و بنده داخل نمی شوم در اینکه در اصلاحات آنها مسائل دیگری است ولی بنده میدانم که آنهایی که از قل جبال و بطون اودی به فرمایش آقای کازرونی بیرون میآید آن ارباب قل جبال و بطون اودی چه میکنند.

اینکه فرمودند چهار برابر رعیت برد و یک برابر ارباب علتش این است که همه کار آن جا با خدا است و بنده رعیت در این

جایی پیدا شده است میگوید این کوه مال من است و ما هم آن کوه را مال او می شناسیم ولی بالاخره تفاوت بین اینجا و آنجا هستی را که آب را از زمین بیرون می آورند یا مثل اصفهان ما که از زمین رست و کوچ گنهم می آورند باید سنجید و در آن جا که دولت رعیت می برد و یک ثلث ارباب برای این است که مالک آنجاها توی خانه اش خوابیده نه رعیت می شناسد و نه ده میداند.

(همه بین نمایندگان)

آقا سید حسن احقاقی اینطور نیست.

مالکین در عین اینکه آدمهای خوبی هستند بنده هم خیلی ارادت خدمتشان دارم و باید مطابق فایده که میرسد مالیات هم زیادتر بدهند.

یک حسابی آقای وکیل الملک فرمودند که بنده هم آن حساب را یاد داشت کرده ام.

فرمودند پنج میلیون و کسری مالیات مستقیم است و بعضی چیزها هم از موضوع کردند بنده فرمودند یک میلیون و ششصد هزار تومان مالیات ارضی در ایران گرفته میشود و این یک میلیون و ششصد هزار تومان را فرمودند چون مالیات خیلی کم است اگر ماخذ مالیات را باینجا بیآوریم یعنی عشر از عایدات را بگیریم از این مبلغ بیشتر خواهد شد اینطور فرمودند.

بنده خیلی مسرور شدم که آن روز مسبق شدم در این مملکت از سرحد جلفا تا پوشر و از شرق تا غرب از صاحبان اراضی فقط یک میلیون و هشتصد هزار تومان مالیات میگیرند و بقیه مالیاتها را باید اشخاص دیگر بدهند و بنده چون عادت ندارم می سنک و نجبر را بسینه بزنم عرض میکنم سایر افراد این مملکت بیست و دو میلیون مالیات و مطابق فرمایش آقای وکیل الملک یک میلیون و هشتصد هزار تومان صاحبان اراضی مالیات می پردازند و بعقبه بنده وقتی قانون میزبانی عمل بشود این مقایسه بهم خواهد خورد و مالیات اراضی در ایران پنج برابر حالیه خواهد شد.

بنده خود اینطور تصور میکنم اما راجع بدین فرمودند و بنده داخل نمی شوم در اینکه در اصلاحات آنها مسائل دیگری است ولی بنده میدانم که آنهایی که از قل جبال و بطون اودی به فرمایش آقای کازرونی بیرون میآید آن ارباب قل جبال و بطون اودی چه میکنند.

اینکه فرمودند چهار برابر رعیت برد و یک برابر ارباب علتش این است که همه کار آن جا با خدا است و بنده رعیت در این

در قانون اعلام صنعتی و راه بندرجز بیست روز صحبت میشود.

در این قانون هم باید قدری بیشتر صحبت شود و آقایان مطلع هستند که این یک چیزی نیست که بقوریت و بدون صحبت و مذاکره بشود به آن رأی داد!

تا یک نفر حرف خودش را تمام می کند فوراً میگوید مذاکرات کافی است این وضع جدیدی است که در این مجلس پیدا شده!

چقدر وقت مجلس صرف توانین کوچک شده بگذارید لااقل پنج روز هم در کلیات این قانون صحبت شود و بعقبه بنده گرانها ترین اوقات مجلس همان مواقعی است که صرف این قانون میشود و بعقبه بنده باید لااقل بیست روز این قضیه در مجلس مطرح باشد تا مطلب خوب حل شود و این مسئله اهمیت ندارد.

زیرا در یک قانونی صحبت زیاد شده است که محل ابتلاء عموم مردم است بنابر این بنده با کمات مذاکرات مخالفم.

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم می شود کسانی نیست.

شیروانی - اکثریت بود.

نایب رئیس - تشخیص با هیئت رئیسه است.

دو فقره پیشنهاد راجع بختم جلسه رسیده است قرائت میشود.

(پس خذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای شیروانی جلسه ختم شود.

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود.

مشارعظم

نایب رئیس - مخالفی نیست.

کازرونی - بنده مخالفم.

آقا سید بقوب بنده هم مخالفم.

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - چند فقره خبر از کمیسیون هراض رسیده و مدتها است که حاضر تقاضا میکنم (چون اختلاف قیما بین صاحبان مرغی و ادارت مباشرت پیدا شده) قرائت شود بعد که تکلیف آنها معلوم شد جلسه را ختم فرمایند.

نایب رئیس - رأی می گیریم بختم جلسه آقایانی که موافق هستند با ختم جلسه قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

جلسه آتیه شب سه شنبه ۳ ساعت قبل از ظهر.

دستور هم لایحه میزبانی (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس - مجلس شورای ملی - سهام السلطان

منشی - علی اقبال اله مالک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۳۸۸

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه بیست و هشتم

برج دلو هزار و

سیصد و سه مطابق بیست و

سوم رجب المرجب

سنه هزار و سیصد و چهل

و سه ۱۳۴۳

مجلس دوساعت قبل از ظهر برپاست

آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل کردید

(صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم داور آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای قائم مقام - املک

(اجازه)

قائم مقام الملک - قبل از دستور مرضی دارم

نایب رئیس آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - بنده هم قبل دستور مرضی دارم

نایب رئیس - آقای آقاسید محمدعلی (اجازه)

آقاسید محمدعلی شوشتری - بنده هم قبل از دستور مرضی دارم

نایب رئیس - آقای تدین - بنده راجع بدستور مرضی دارم

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب از دستور

نایب رئیس - آقای یاسائی - بنده قبل از دستور مرضی دارم

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقاسید عمیل - آقای زعیم را در صورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند

در صورتی که ایشان مریض بودند و تب